

پادشاهی، عهدها و کانن عهد عتیق

درس اول

چرا باید عهد عتیق را مطالعه
کنیم؟



THIRD MILLENNIUM

MINISTRIES

The Farsi translation of “Kingdom, Covenants & Canon of the Old Testament: Lesson 1: Why Study the Old Testament?”

© 2022 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: پادشاهی، عهدها، و کائن عهد عتیق (درس شماره ۱: چرا باید عهد عتیق را مطالعه کنیم؟)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مژده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) فاصله

علل

الهام پویا

تطابق الهی

انواع

فاصلهٔ الاهیاتی

فاصلهٔ فرهنگی

فاصلهٔ شخصی

(۳) مناسبت

تعالیم عیسی

نظرات منفی

تاییدات مثبت

تعالیم پولس

نظرات منفی

تاییدات مثبت

(۴) کاربرد

چالش‌ها

دنیای باستان

تحولات تاریخی

دنیای ما

ارتباطات

همان خدا

همان دنیا

همان مردم

تحولات

تحولات ادواری

تحولات فرهنگی

تحولات شخصی

(۵) نتیجه‌گیری

چرا باید عهد عتیق را مطالعه کنیم؟

مقدمه

اگر بخواهیم از افرادی که هیچ پیشینه‌ای از سنت یهودی یا مسیحی ندارند بپرسیم، «چرا باید عهد عتیق را مطالعه کنیم؟»، احتمالاً اکثر آنها چنین پاسخی خواهند داد که: «عهد عتیق به قدری قدیمی و نامربوط به امروز است که آنقدرها هم ارزش مطالعه ندارد.» ما پیروان مسیح، عهد عتیق را به عنوان کلام خدا می‌پذیریم. عهد عتیق، کلام مقدس خداست. اما با اینکه ممکن است خیلی تعجب‌برانگیز به نظر برسد، اما حتی زمانی که از مسیحیان هم می‌پرسیم، «چرا باید عهد عتیق را مطالعه کنیم؟»، برخی از ما در بهترین حالت پاسخ می‌دهند، «خُب، اینجا و آنجای آن مطالبی وجود دارد که هنوز هم در عصر حاضر برای ما مهم هستند.» اما اغلب اوقات، حتی مسیحیان صادق نیز می‌گویند، «عهد عتیق به قدری قدیمی است که آنقدرها هم ارزش مطالعه ندارد.» پس، چرا پیروان مسیح باید امروزه عهد عتیق را مطالعه کنند؟

این اولین درس از مجموعه دروس «پادشاهی، عهدها، و کانن عهد عتیق» است؛ مجموعه‌ای که به کاوش در مضامین پادشاهی خدا و عهدهای او، و چگونگی کاربرد این مضامین در کتاب‌های کانن عهد عتیق می‌پردازد. این نخستین درس، به یک پرسش ابتدایی مهم می‌پردازد: «چرا باید عهد عتیق را مطالعه کنیم؟» چرا پیروان امروزی مسیح باید به این بخش از کتاب مقدس علاقمند باشند؟ چرا باید خودمان را به مطالعه این متون مقدس باستانی بسپاریم؟

از همین ابتدا، باید بپذیریم که مطالعه عهد عتیق، ساده‌ترین کار جهان نیست. به ویژه از آن جهت چالش‌برانگیز است که کانن عهد عتیق از کتاب‌های بسیاری تشکیل شده که توسط نویسندگان مختلف و تحت شرایط تاریخی متفاوتی در یک دوره تقریباً ۱۰۰۰ ساله نوشته شده است. اما همانطور که در این مجموعه دروس خواهیم دید، اگر یک نکته را تشخیص بدهیم، خواهیم توانست گام‌های بلندی برداریم: همه این کتاب‌ها بر مجموعه‌ای از اعتقادات اساسی استوارند که تمام نویسندگان عهد عتیق مشترکاً به آنها باور داشتند. همه آنها بر این باور بودند که خدا روابط خود با اسرائیل را از طریق قوانینی اداره می‌کرد که به واسطه عهدهای خویش مقرر کرده بود. و فراتر از این، آنها باور داشتند که این عهدها برای تحقق هدف بزرگ خدا در تاریخ طراحی شده بودند — یعنی با تبدیل تمام خلقت به پادشاهی خود، خویشان را جلال بدهد. نویسندگان عهد عتیق هنگام پرداختن به موقعیت‌های خاص در کتب کانن عهد عتیق، اعتقادات اساسی‌شان به پادشاهی و عهدهای خدا را نشان دادند.

در حالی که پرسش «چرا باید عهد عتیق را مطالعه کنیم؟» را مطرح می‌کنیم، بر سه مسئله اصلی متمرکز خواهیم شد. نخست، اذعان می‌کنیم که باید به دلیل فاصله‌ای که ما را از عهد عتیق جدا می‌کند، خود را

وقف چنین مطالعه‌ای کنیم. دوم، خواهیم دید که پیروان مسیح باید چنین وظیفه‌ای را قبول کنند چون کتب عهد عتیق به روزگار ما مربوط هستند. و سوم، به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که چرا باید عهد عتیق را برای کاربردهای مسئولانه آن در زندگی‌مان مطالعه کنیم. بیایید با این واقعیت شروع کنیم که متون عهد عتیق اغلب بسیار دور از ما به نظر می‌رسند.

فاصله

معمولا دانشجویان کتاب مقدس هنگام آغاز مطالعه عهد عتیق، روندی مشابه و تقریباً قابل پیش‌بینی را طی می‌کنند. ما به درستی تعلیم دیده‌ایم که عهد عتیق کلام مصون از خطا و الهام‌شده خداوند است، و از همین رو بسیاری از ما تصور می‌کنیم که این متون باید حاوی تعالیمی باشند که به آسانی در زندگی مسیحی به کار گرفته می‌شوند. حال، تا زمانی که ما بسیار گزینشی عمل می‌کنیم و فقط در مورد موضوعات گسترده‌ای مانند صفات خدا یا فرامین او مانند «دزدی نکن» یا «قتل مکن» صحبت می‌کنیم، به نظر می‌رسد که درون قلمروی آشنا قرار داریم. اما زمانی که عهد عتیق را با دقت بیشتری مطالعه می‌کنیم، اتفاقی رخ می‌دهد. وقتی که به کاوش در جزئیات بیشتری می‌پردازیم، متوجه می‌شویم که بسیاری از بخش‌های عهد عتیق ارائه‌دهنده دیدگاه‌هایی هستند که آشنا به نظر نمی‌رسند. در حقیقت، هرچه بیشتر آن را می‌خوانیم، بیشتر احساس می‌کنیم که در حال کاوش در دنیایی باستانی و دور هستیم.

ما از دو طریق به فاصله عهد عتیق از خودمان نگاه خواهیم کرد. نخست، نگاهی به علل این فاصله خواهیم داشت؛ یعنی چرا این متون معمولا برای ما بسیار بیگانه به نظر می‌رسند؟ و دوم، به بررسی انواع فواصلی خواهیم پرداخت که با آنها روبرو می‌شویم. چه نوع دیدگاه‌هایی در عهد عتیق آن را بسیار متفاوت از آنچه می‌سازد که ما به عنوان مسیحیان امروزی به آنها معتقدیم؟ بیایید ابتدا به برخی از علل یا دلایل اصلی فاصله بین ما و عهد عتیق نگاه کنیم.

علل

دست‌کم دو عامل باعث می‌شوند که به طور معمول خودمان را دور از عهد عتیق احساس کنیم. از یک سو، خدا این متون را از طریق روندی به بشریت بخشید که با عنوان الهام پویا شناخته می‌شود. و از سوی دیگر، خدا عهد عتیق را برای تحقق هدف خود از طریق فرایندی طراحی کرد که آن را با عنوان تطبیق الاهی می‌شناسیم. این ویژگی‌های عهد عتیق توضیح‌دهنده بسیاری از چالش‌هایی هستند که ما در هنگام مطالعه این قسمت از کتاب مقدس با آنها روبرو می‌شویم. نخست، به روند الهام طبیعی می‌پردازیم.

الهام پویا

چنین رایج است که دیدگاه تاریخی اوانجلیکال درباره الهام الاهی کتاب مقدس، با عنوان «الهام پویا» توصیف شود. در عین حال که تایید می‌کنیم روح القدس الهام‌بخش کلام خدا است، با استفاده از این اصطلاح نشان می‌دهیم که الهام او از شخصیت‌ها، تجربیات، و نیات نویسندگان انسانی جدا نیست. یعنی، تحت نظارت ویژه و مصون از خطای روح القدس، نگارندگان بشری خودشان تعیین می‌کردند که چه چیزی بنویسند. کتاب مقدس نتیجه «الهام مکانیکی» نبود که گویی خدا از نویسندگان انسانی به عنوان مجاری منفعل استفاده کرده باشد. همچنین، کتاب مقدس به طور خیالی هم الهام نشده بود که مانند آنچه درباره الهام گرفتن موسیقی‌دانان و هنرمندان صحبت می‌کنیم، گویی خدا صرفاً نویسندگان کتاب مقدسی را به نگارش تشویق کرده باشد. بلکه خدا با توجه فراوان، محتوای کتاب مقدس را تحت نظر گرفت که بدون خطا باشد و بتوان آن را به راستی کلام خدا خواند. اما او همچنین شخصیت فردی، تجارب، و اهداف نویسندگان انسانی را به کار گرفت و بدین ترتیب می‌توانیم کتاب مقدس را به راستی، سخنان مردان مقدس نیز بخوانیم.

شیوه‌ای که پطرس درباره رسالات پولس در دوم پطرس ۳: ۱۵-۱۶ صحبت می‌کند را در نظر بگیرید. در

آنجا چنین می‌خوانیم:

تحمل خداوند ما را نجات بدانید، چنانکه برادر حیب ما پولس نیز بر حسب حکمتی که به وی داده شد، به شما نوشت. و همچنین در سایر رساله‌های خود این چیزها را بیان می‌نماید که در آنها بعضی چیزهاست که فهمیدن آنها مشکل است و مردمان بی‌علم و ناپایدار آنها را مثل سایر کتب تحریف می‌کنند تا به هلاکت خود برسند (دوم پطرس ۳: ۱۵-۱۶).

پطرس رسول در این آیات تایید می‌کند که رسالات پولس با حکمتی نوشته شدند که از طرف خدا به پولس «بخشیده» شد. به عبارت دیگر، روح خدا رسالات پولس را الهام کرد و بدین ترتیب آنها صرفاً نوشتجات انسانی نبودند، بلکه متونی از طرف خدا بودند. با این وجود پطرس همچنین تایید می‌کند که شخصیت پولس نیز در این رسالات متبلور است. دقت کنید که چطور این را بیان می‌کند: «برادر حیب ما پولس نیز بر حسب حکمتی که به «وی» داده شد، به شما نوشت. این متون مقدس همچنان رسالات پولس بودند. بنابراین می‌توانیم ببینیم که از نقطه نظر پطرس، رسالات پولس نتیجه روندی بود که هم خدا و هم نویسنده انسانی رسالات در آن دخیل بودند.

همین چشم‌انداز دربارهٔ عهد عتیق نیز صادق است. به همین دلیل است که شریعت عهد عتیق نه فقط شریعت خدا، بلکه شریعت موسی نیز خوانده می‌شود. این شریعت از طرف خدا «و» موسی آمد. از همین رو بسیاری از مزمورها، مزامیر داوود خوانده می‌شوند. دیدگاه الهام پویا همچنین توضیح می‌دهد که چرا نویسندگان کتاب مقدس از نویسندگانی انسانی مانند اشعیا، ارمیا، و دانیال صحبت می‌کنند. اگرچه خدا نویسندهٔ غایی عهد عتیق بود، اما انبیای مقدس را به کار گرفت تا این کتب را به طریقی بنویسند که کیستی آنها، و زمان و مکان حیات‌شان را منعکس کند.

وقتی دربارهٔ این موضوع فکر می‌کنید، دشوار نیست که ببینیم چرا الهام پویای کتاب مقدس ما را از عهد عتیق دور می‌کند. تمام نویسندگان عهد عتیق، مردمان دورهٔ باستان بودند. آنها در جهان خاور نزدیک باستان زندگی می‌کردند و از بسیاری جهات مانند مردم آن زمان فکر می‌کردند و می‌نوشتند. و علاوه بر این، نویسندگان عهد عتیق پیش از ظهور مسیح نوشتند. آنها مانند ما از یک الاهیات مسیحی کاملاً بسط یافتهٔ عهد جدید برخوردار نبودند. در نتیجه، هنگامی که من و شما عهد عتیق را مطالعه می‌کنیم، خیلی زود متوجه می‌شویم که دنیای عهد عتیق با دنیای امروزی ما تفاوت زیادی دارد.

یهودیان عهد عتیق با بیش از ۶۰۰ قانون لایوان زندگی می‌کردند که بر تمام جوانب اخلاقی، مدنی، و روحانی زندگی آنها حاکم بود و روابط زن و مرد، حیوانات، کشاورزی و اعیاد را زیر چتر خود داشت... بنابراین همهٔ آن مسائل برای درک و تفسیر ما بسیار مهم هستند و دوباره، نباید تلاش کنیم که یک جهان قرن بیست و یکمی را در دنیای قرن اول یا دنیای پیش از میلاد مسیح ادغام کنیم.

- دکتر تادئوس جیمز

علاوه بر چالش‌هایی که با الهام پویای نویسندگان کتاب مقدس ایجاد می‌شود، باید بدانیم که یکی دیگر از دلایل فاصلهٔ ما از عهد عتیق، تطابق الهی است.

تطابق الهی

به طور کلی، «تطابق» اصطلاحی است که الاهدانان برای توصیف این حقیقت به کار می‌برند که هر بار که خدا خود را بر بشریت مکشوف می‌سازد، با عبارات محدود انسانی با ما صحبت می‌کند. از آنجایی که خدا مافوق بشر و غیر قابل درک است، هر بار که خود را مکشوف می‌سازد، به روش‌های قابل درک برای انسان محدود خود را فروتن می‌کند. در غیر این صورت، ما به هیچ‌وجه نمی‌توانستیم او را درک کنیم. به یاد دارید که در اشعیا ۵۵: ۸-۹ این کلمات را می‌خوانیم:

خداوند می‌گوید که افکار من افکار شما نیست و طریق‌های شما طریق‌های من نی. زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است همچنان طریق‌های من از طریق‌های شما و افکار من از افکار شما بلندتر می‌باشد (اشعیا ۵۵: ۸-۹).

افکار و راه‌های خدا به قدری متعال هستند - بی‌نهایت از محدودیت‌های ما فراتر می‌روند - که هر مکاشفه‌ای که او تا به امروز انجام داده، منطبق بر ظرفیت‌های انسانی بوده است. او چنین کرد تا دست‌کم برخی از ما بتوانیم او را درک، و از مکاشفه‌اش پیروی کنیم.

حال، درک این نکته مهم است که در عهد عتیق، خدا خود را صرفاً با محدودیت‌های بشری به معنای وسیع و عام تطبیق نداد. بلکه همچنین، خود را با موقعیت‌های تاریخی خاص اسرائیل که در خاور نزدیک باستان زندگی می‌کرد نیز تطبیق داد. قصد او از کتب عهد عتیق این بود که در وهله اول، برای اسرائیلیان باستان قابل درک باشد.

از آنجا که یهودیان باستان مخاطب عمده عهد عتیق بودند، خدا ترتیبی داد تا عهد عتیق به زبان‌های عبری و آرامی نوشته شود. خدا ده فرمان را روی الواح سنگی ارائه کرد، زیرا این یک رسم بین‌المللی بود که اسناد مهم ملی، از جمله قوانین سلطنتی، به این شکل نمایش داده شوند. و از بسیاری جهات، سبک‌های ادبی روایی، شعری، ادبیات حکمت، و شریعت، از بسیاری از قراردادهای ادبی رایج در خاور نزدیک باستان پیروی می‌کردند. از این طرق و بسیاری راه‌های دیگر، خدا عهد عتیق را با قوم باستانی خود تطبیق داد تا آنها بتوانند آن را درک کنند. به این دلیل، وقتی که من و شما به عنوان انسان‌های امروزی عهد عتیق را مطالعه می‌کنیم، دائماً با این حقیقت روبرو می‌شویم که با افرادی تطبیق دارد که «مدتها پیش» زندگی می‌کردند. این متون به ویژه در وهله نخست خطاب به قوم اسرائیل باستان نوشته شده‌اند.

هر کتاب در کتاب مقدس، برای مخاطبان اصلی آن نوشته شده، و ما اینجا در قرن ۲۱، مخاطبان اصلی نیستیم. فکر می‌کنم برای ما جالب و شاید مفید باشد که تشخیص بدهیم بخش عمده‌ای از کتاب‌ها در عهد جدید، رسالات یا نامه‌ها هستند؛ بنابراین وقتی که ما این رسالات را می‌خوانیم - و فکر می‌کنم می‌توانید این را به کل کتاب مقدس تعمیم بدهید... نامه‌های دیگران را می‌خوانیم. آنها برای ما هم هستند چون به کلیسا تعلق داریم، اما در ابتدا برای یک مخاطب اصلی نوشته شدند.

- دکتر رابرت مک‌ایوان

اکنون که برخی از دلایل فاصله عهد عتیق از ما را دیدیم، می‌توانیم به سراغ دومین موضوع مان برویم: انواع یا گونه‌های فاصله‌ای که اغلب بین خودمان و عهد عتیق می‌یابیم. در عهد عتیق با چه چیزهایی روبرو می‌شویم که به نظرمان غریب می‌رسند؟

انواع

خوب است که اعتراف کنیم عهد عتیق اغلب برای ما به عنوان افراد امروزی، دور و بعید به نظر می‌رسد. اما این حقیقت همچنان می‌تواند به سردرگمی منجر شود، و می‌تواند حتی ما را از مطالعه این بخش از کتاب مقدس دلسرد کند. یک راه مفید برای اجتناب از ناامیدی، شناسایی انواع چیزهایی در عهد عتیق است که این احساس را در ما ایجاد می‌کنند. وقتی انواع فاصله‌هایی که اغلب با آنها مواجه می‌شویم را بشناسیم، برای درک و کاربرد این متون مقدس در زندگی خود مجهزتر خواهیم شد.

راه‌های زیادی برای تهیه فهرست انواع اصلی فاصله بین ما و عهد عتیق وجود دارد، اما در راستای اهداف مان تنها درباره سه نوع صحبت می‌کنیم: نخست، فاصله‌الاهیاتی؛ دوم، فاصله فرهنگی؛ و سوم، فاصله شخصی. این سه نوع فاصله، از جهات بسیاری به یکدیگر مرتبط هستند. اما برای بحث، آنها را یک به یک مورد بررسی قرار خواهیم داد، و از فاصله‌الاهیاتی‌ای که هنگام مطالعه عهد عتیق با آن روبرو می‌شویم شروع می‌کنیم.

فاصله‌الاهیاتی

هنگامی که از فاصله‌الاهیاتی صحبت می‌کنیم، عمدتاً به تفاوت‌های بین مکاشفه‌ای که نویسندگان عهد عتیق دریافت کردند و مکاشفه کامل‌تر دریافتی ما از مسیح فکر می‌کنیم. هر مسیحی تشخیص می‌دهد که عهد عتیق دیدگاه‌های الاهیاتی‌ای را ارائه می‌دهد که در نگاه اول به نظر می‌رسد با آموزه‌های عهد جدید ارتباطی ندارد. فقط به چند مثال اکتفا می‌کنیم.

در پیدایش باب ۲۲، خدا ابراهیم را فراخواند تا پسرش را قربانی کند، و او را برای تمایلش به انجام این کار برکت داد. اما درباره کسی که امروز باور داشته باشد خدا او را خوانده تا پسرش را قربانی کند چه فکر می‌کنیم؟ ما حتی نمی‌توانیم چنین ادعای الاهیاتی‌ای را جدی بگیریم.

در روزگار موسی، خدا از قوم وفادار خود انتظار داشت که مانند یک ارتش بزرگ، از مصر به سوی سرزمین موعود حرکت کنند. اما اگر گروهی از مسیحیان را ببینیم که حقیقتاً در صحرای سینا راهپیمایی می‌کنند تا به سرزمین موعود برسند، مطمئناً برای مان عجیب خواهد بود.

در عهد عتیق درباره مردانی می‌خوانیم که با نذر کوتاه نکردن موهایشان، خود را وقف خدمت خدا می‌کردند. یا می‌آموزیم که خدا معبد اورشلیم را به عنوان «تنها» مکان پرستش برای قوم خود تعیین کرد.

می‌خوانیم که خدا از قوم خود می‌خواست به عنوان کفاره گناهان، حیوانات را قربانی کنند، و فرمان به نابودی تمام شهرهای کنعانیان با زنان و کودکان داد.

آیا همه ما کمی تعجب نمی‌کنیم که عهد عتیق از ما می‌خواهد باور کنیم خدا چنین چیزهایی را آشکار ساخته، که به نظر می‌رسد با آنچه در عهد جدید آشکار کرد بسیار متفاوت است؟ فهرست چنین انواعی از تفاوت‌های الاهیاتی می‌تواند بسیار ادامه پیدا کند. هر چیز دیگری هم که بگوییم، قطعاً فاصله الاهیاتی زیادی بین ما و عهد عتیق وجود دارد.

هنگامی که خدا خودش را بر ما آشکار می‌کند، این کار را در چارچوب زمان و مکان انجام می‌دهد... به عرف عهد قدیم فکر کنید، که در آن قوانین خوراکی خاص و آیین‌های مربوط به پاک یا ناپاک انجام می‌شدند. اسرائیلیان عهد عتیق باید این کارها را انجام می‌دادند، اما با توجه به تغییرات عهدی، امروزه انجام‌شان برای ما ضرورتی ندارد. یک نفر می‌تواند چنین کارهایی را انجام بدهد، اما ضرورتی ندارد. از نظر عهدی اهمیتی ندارد. در حقیقت، شما باید خیلی خیلی مراقب باشید که وقتی از مردم می‌خواهید چنین کارهایی را انجام بدهند چون عهد عتیق می‌گوید که این کارها را انجام بدهید، این را می‌گویید که... «برای برخورداری از یک رابطه صحیح با خدا، ما باید تحت عهد قدیم بباییم که اکنون محقق شده است.» بنابراین، بعضی از انواع این کارها به دلیل تغییرات عهدی ضرورتی ندارند.

- دکتر استفان ولوم

علاوه بر فاصله الاهیاتی، نوع دیگری از فاصله که ما را از عهد عتیق جدا می‌کند، فاصله فرهنگی بین خاور نزدیک باستان و دنیای مدرن ما است.

فاصله فرهنگی

فاصله‌ای فرهنگی بین ما و عهد عتیق وجود دارد زیرا فرهنگ‌های بشری دائماً در حال تغییر هستند. ساختارهای اجتماعی تغییر می‌کنند. رسوم قدیمی، عجیب و کهنه به نظر می‌رسند. تصور کنید که فقط ۲۰۰ سال پیش کشور خود را ببینید. بسیاری از تفاوت‌ها ممکن است باعث شود که احساس کنیم در دنیای متفاوتی هستیم، حتی اگر در دوره‌ای کمی متفاوت باشیم. حال اگر این موضوع درباره ۲۰۰ سال پیش در مکانی مشابه صادق باشد، چقدر بیشتر باید انتظار داشته باشیم که تفاوت‌هایی فرهنگی بین خودمان و آنچه در عهد عتیق می‌خوانیم پیدا کنیم؟ تفاوت‌های بسیار زیادی بین خاور نزدیک باستان و دنیای مدرن ما وجود دارد که بسیاری از آنچه در عهد عتیق می‌خوانیم، به طرز شگفت‌انگیزی برای ما ناآشنا است.

هنگامی که عهد عتیق زندگی در مکان‌های مختلف دنیای باستان را توصیف می‌کند، چه اسرائیل، کنعان، مصر، آشور، بابل، پارس یا بسیاری فرهنگ‌های دیگر که در عهد عتیق به آنها اشاره شده است، ما فاصله فرهنگی را احساس می‌کنیم. شخصیت‌هایی که با آنها برخورد می‌کنیم درست مثل امروز باورها، ارزش‌ها، و عملکردهای فرهنگی بی‌شماری داشتند. اما آنها اغلب با باورها، ارزش‌ها، و عملکردهای فرهنگی مدرن ما بسیار متفاوت بودند. تنها چند نمونه از فرهنگ انسانی موجود در عهد عتیق را در نظر بگیرید:

بخش عمده‌ای از عهد عتیق، یک دنیای کشاورز را توصیف می‌کند. در سرتاسر کتاب مقدس درباره کشاورزی و دامپروری می‌خوانیم، اما بسیاری از مردم شهری مدرن به سختی می‌توانند تصور کنند که در این سبک زندگی باستانی چه می‌گذشته است. فن‌آوری‌ها نیز در روزگار عهد عتیق بسیار متفاوت بودند. فن‌آوری‌هایی که بسیاری از ما امروزه برای ارتباط، کار، و پیشه بر آنها تکیه می‌کنیم، در زمان‌های باستان وجود نداشتند. در عهد عتیق، درباره ازدواج‌های از پیش تعیین شده می‌خوانیم. همچنین می‌آموزیم که شخصیت‌های مهم کتاب مقدس، چندمسری را اختیار می‌کردند. اشکال متعددی از برده‌داری در عهد عتیق پدیدار می‌شوند. و هم در داخل و هم در خارج از اسرائیل، فرهنگ‌ها عمیقاً تحت تاثیر واقعیت‌های سیاسی حاکمان اقتدارگرا امپریالیسم بودند. البته استثناهایی از این قاعده به ویژه در میان قبایل بیابانی وجود داشت، اما پادشاهان یا امپراتوران بزرگ و ارتش‌های قدرتمند آنها نقش مهمی در سراسر متون عهد عتیق دارند. شخصیت‌های عهد عتیق عملاً چیزی در مورد معنای دموکراسی امروزی نداشتند.

هنگامی که این ویژگی‌ها و امور مشابه آن را در حیات عهد عتیق می‌بینیم، اغلب متعجب می‌شویم که چطور باید با آنها برخورد کنیم. با کتاب مقدس که چنین عمیق در فرهنگ‌هایی بسیار متفاوت از فرهنگ ما جای گرفته است، چه باید بکنیم؟ تفاوت‌های فرهنگی باعث می‌شوند که شکاف بزرگی بین خود و عهد عتیق احساس کنیم.

فکر می‌کنیم اگر به گذشته، به عنوان مثال، به عهد عتیق نگاه کنید، متوجه خواهید شد که چیزهایی در آنجا وجود دارد که با شرایط امروز ما بسیار متفاوت است. یک مورد این است که عهد عتیق، محیط و عاداتی زراعی داشت... دوم، به طور مثال، چندمسری بسیار رایج بود... و بنابراین از نظر فرهنگی با ما فاصله دارد.

- دکتر لویس آرتزا

پس از بررسی اینکه چطور الاهیات و فرهنگ عهد عتیق اغلب برای ما غریبه به نظر می‌رسند، باید به نوع سوم فاصله نگاه کنیم که می‌توانیم آن را فاصله «شخصی» بخوانیم.

فاصله شخصی

وقتی ما درباره فاصله «شخصی» صحبت می‌کنیم، به این حقیقت اشاره داریم که مردمانی که در روزگار عهد عتیق زندگی می‌کردند، با مردم امروزی متفاوت بودند. بسیاری از شکاف‌های بین ما و آنها اغلب شامل عوامل بسیار شخصی و انسانی هستند. البته مردم عهد عتیق کاملاً با ما متفاوت نبودند. همانطور که بعداً در این درس خواهیم دید، آنها در چند طریق مهم به ما شباهت داشتند. اما در عین حال، آنها تجربیات شخصی متفاوتی داشتند که آنان را کاملاً با آنچه امروز هستیم متفاوت می‌کرد.

نباید تعجب کنیم که مردم در زمان عهد عتیق با مردم زمان ما متفاوت بودند. به هر روی، بسیاری از تمایلات و فعالیت‌های آنها برخاسته از دنیای الاهیاتی و فرهنگی بود که در آن زندگی کردند. در مورد آن اینطور فکر کنید: در یک سطح الاهیاتی، بسیاری از افراد در عهد عتیق تجربیات روحانی قابل توجهی داشتند که شباهتی به هیچکدام از تجربیات امروزی ما ندارد. آنها رویاهایی از آسمان داشتند و صدای خدا را شنیدند. با موجودات آسمانی تعامل داشتند. لحظه‌ای درنگ کنید و از خود بپرسید اگر شما چنین تجارب روحانی‌ای داشتید، چقدر متفاوت می‌بودید؟ اگر رویاهای الهام‌شده‌ی الهی، شنیدن صدای خدا، فرشتگان و دیوها را تجربه کرده بودید، چطور فردی می‌بودید؟ بدون شک، چنین تجربیاتی ما را به طرز چشمگیری تغییر خواهند داد. درک این حقایق به ما کمک می‌کند تشخیص بدهیم که از بسیاری جهات مهم با افراد زمان عهد عتیق تفاوت داریم.

علاوه بر این، دقت کنید که ما به دلیل تاثیرات فرهنگی، چقدر از مردم عهد عتیق متفاوت هستیم. در عهد عتیق مردم اغلب نقش‌های فرهنگی‌ای ایفا می‌کنند که برای ما غریبه هستند. آنها پادشاهان، ملکه‌ها، خادمان، و بردگان بودند. مرد و زن، نقش‌های خود را بسیار متفاوت از نگاه امروزی ما به نقش‌های مان می‌دیدند. شخصیت مردمان عهد عتیق عمیقاً تحت تاثیر وحشت جنگ‌های باستانی قرار داشت. عبور از قحطی‌ها و خشکسالی‌ها بدون کمک فن‌آوری مدرن، بر سلامت جسمی و روحی مردمان باستان تاثیر می‌گذاشت. بسیاری از ما امروزه هرگز با چنین موقعیت‌هایی روبرو نشده‌ایم. و در نتیجه، اغلب همذات‌پنداری با مردمانی که در عهد عتیق توصیف شده‌اند برای مان دشوار است.

حال که به بررسی علل و انواع فاصله‌هایی پرداختیم که عهد عتیق را از ما جدا می‌کنند، می‌توانیم به دومین موضوع مان پردازیم: مناسب است عهد عتیق برای مردمان امروزی. اگر عهد عتیق در زمانی بسیار قدیم نوشته شده، چرا باید انتظار داشته باشیم که هنوز برای امروز ما مناسب باشد؟

مناسبت

دلایل بی‌شماری وجود دارد که چرا مسیحیان باید انتظار داشته باشند عهد عتیق برای زندگی آنها اهمیت داشته باشد. اما شاید مهم‌ترین دلیل، از سوی عیسی و رسولان و انبیای قرن اول او باشد. این مردان با اطمینان تعلیم دادند که عهد عتیق صرفاً کلام معتبر خدا برای اسرائیل باستان نبود، بلکه برای مسیحیان در زمان آنها هم، کلام خدا بود. امروزه بسیاری از مسیحیان معتقدند که عهد جدید برای جایگزینی عهد عتیق آمد. اما در واقعیت، عیسی و رسولان و انبیای او دقیقاً مخالف آن را گفتند. آنها تعلیم دادند که عهد عتیق برای زندگی وفادارانۀ مسیحی در همهٔ اعصار، حیاتی است.

عهد جدید در قسمت‌های زیادی تعلیم می‌دهد که عهد عتیق با زندگی ما مناسبت دارد، اما ما تنها از دو جهت نگاه خواهیم کرد. نخست، به برخی از تعلیم عیسی نگاه می‌کنیم و دوم، بعضی از تعلیم پولس رسول را در نظر می‌گیریم. بیایید ابتدا دربارهٔ تعلیم عیسی در مورد مناسبت عهد عتیق فکر کنیم.

تعلیم عیسی

برای درک آنچه عیسی دربارهٔ مناسبت و اعتبار عهد عتیق برای پیروان خود تعلیم داد، نگاه مختصری به دو جنبهٔ تعلیم او خواهیم داشت. ابتدا با برخی از متونی شروع می‌کنیم که اغلب به نظر می‌رسد نظرات منفی عیسی دربارهٔ عهد عتیق هستند. و سپس، به بررسی تاییدات واضح و مثبت او در مورد مناسبت عهد عتیق خواهیم پرداخت. بیایید با بعضی از نظرات عیسی شروع کنیم که بسیاری از مفسران، آنها را به عنوان دیدگاهی منفی نسبت به عهد عتیق در نظر گرفته‌اند.

نظرات منفی

اکثر ما موعظهٔ عیسی بر سر کوه سینا در باب‌های ۵-۷ متی آشنا هستیم. عیسی در قسمتی از این موعظه، به چند موضوع اخلاقی اشاره کرد. رویکرد او به این موضوعات باعث شده است که در بسیاری از ایمانداران خوش‌نیت این تصور ایجاد شود که عیسی، با تعلیم عهد عتیق مخالفت یا آنها را تصحیح کرد. به این متون آشنا گوش کنید. در متی ۵: ۲۱-۲۲، این سخنان را دربارهٔ قتل می‌خوانیم:

شنیده‌اید که به اولین گفته شده است «قتل مکن» و هر که قتل کند سزاوار حکم شود. لیکن من به شما می‌گویم، هر که به برادر خود بی‌سبب خشم گیرد، مستوجب حکم باشد و هر که برادر خود را راقا گوید، مستوجب قصاص باشد و هر که احمق گوید، مستحق آتش جهنم بود (متی ۵: ۲۱-۲۲).

عیسی در متی ۵: ۲۷-۲۸، اینطور به زنا اشاره کرد:

شنیده‌اید که به اولین گفته شده است «زنا مکن». لیکن من به شما می‌گویم، هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است (متی ۵: ۲۷-۲۸).

او در متی ۵: ۳۱-۳۲ درباره طلاق صحبت کرد:

و گفته شده است هر که از زن خود مفارقت جوید، طلاق نامه‌ای بدو بدهد. لیکن من به شما می‌گویم، هر کس به غیر علت زنا، زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می‌باشد، و هر که زن مطلقه را نکاح کند، زنا کرده باشد (۵: ۳۱-۳۲).

در متی ۵: ۳۳-۳۴ که عیسی درباره سوگند صحبت کرد، دوباره همین الگو را می‌بینیم:

باز شنیده‌اید که به اولین گفته شده است که «قسم دروغ مخور، بلکه قسم‌های خود را به خداوند وفا کن». لیکن من به شما می‌گویم، هرگز قسم مخورید (متی ۵: ۳۳-۳۴).

عیسی همچنین در متی ۵: ۳۸-۳۹ درباره انتقام صحبت کرد:

شنیده‌اید که گفته شده است «چشمی به چشمی و دندانی به دندانی»، لیکن من به شما می‌گویم، با شریر مقاومت نکنید بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه زند، دیگری را نیز به سوی او بگردان (متی ۵: ۳۸-۳۹).

و در آخر، عیسی در متی ۵: ۴۳-۴۴ بدین شکل درباره موضوع محبت به دشمنان صحبت کرد:

شنیده‌اید که گفته شده است «همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن». اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایند و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید (متی ۵: ۴۳-۴۴).

همه پیروان مسیح باید موافق باشند که عیسی بزرگترین مکاشفه خدا است و تعالیم او بسیار کامل تر از تعالیم عهد عتیق بودند. او قلبها را می‌دید و تا دورترین افق‌های فکری را به شکلی تفصیلی شرح داد که عهد عتیق هرگز به آنها نپرداخت. اما متاسفانه، بسیاری از مسیحیان اینطور نتیجه می‌گیرند که دیدگاه عیسی درباره قتل، زنا، طلاق، سوگندها، انتقام، و محبت به دشمنان در واقع با عهد عتیق در تقابل است.

بسیاری از ایمانداران به اشتباه معتقدند که عیسی تعالیم عهد عتیق را در راستای تعالیم جامع‌تر خود رد کرد. حال اگر این دیدگاه رایج به حقیقت نزدیک باشد، آنگاه دلیل خوبی داریم که فکر کنیم عیسی آمد تا ما را از اقتدار اخلاقی عهد عتیق دور کند. اما وقتی در مورد آنچه که عیسی واقعا در متی باب ۵ گفت با دقت بیشتری تامل می‌کنیم، متوجه می‌شویم که این دیدگاه چندان مناسب نیست. عیسی به هیچوجه با هیچ یک از بخش‌های عهد عتیق مخالفتی نکرد. بلکه اعتبار عهد عتیق را تایید کرد، و با سوء تفاهم‌های رایج درباره عهد عتیق در زمان خود به مخالفت پرداخت.

عیسی به جای مخالفت با عهد عتیق، به راه‌هایی اعتراض کرد که بسیاری از کاتبان و فریسیان در زمان او عهد عتیق را تفسیر می‌کردند. در روزگار عیسی، افراد معدودی دسترسی مستقیم به کتاب مقدس داشتند. به همین دلیل، مردم عادی در اسرائیل شدیداً به تعالیم شفاهی راهبران مذهبی خود متکی بودند. اما کاتبان و فریسیان به جای تعلیم از خود عهد عتیق، اغلب تعالیم خویش را بر پایه سنت‌هایی قرار می‌دادند که به عهد عتیق اضافه کرده بودند. جای تاسف است که این سنت‌ها بیشتر بر اطاعت ظاهری تمرکز داشتند تا بر وضعیت قلب؛ که یک دغدغه اصلی در تعالیم عیسی و عهد عتیق بود.

به طور کلی، عیسی تعالیم خود را - که با عهد عتیق هماهنگ بود - با دیدگاه‌هایی مقایسه کرد که «گفته» یا «شنیده» شده بودند. به عبارت دیگر، اشاره او به سنت‌های شفاهی بود. هنگامی که عیسی و دیگر شخصیت‌های عهد جدید به عهد عتیق اشاره می‌کردند، همیشه از آنچه «نوشته» یا «خوانده» می‌شد صحبت می‌کردند. و عیسی در هیچ کجای عهد جدید چیزی را که به این شیوه معرفی شده است رد نمی‌کند. بنابراین، عیسی در موعظه سر کوه با آنچه در عهد عتیق «مکتوب» بود مخالفتی نمی‌کرد، بلکه مخالفت او با سنت‌های شفاهی تداوم یافته از سوی معلمان دیگر در اسرائیل بود. در پرتو این نکته، باید با دقت بیشتری به آنچه که عیسی در مورد این تفاسیر شفاهی گفت نگاه کنیم.

هنگامی که عیسی در موعظه سر کوه از عبارت «شنیده‌اید که گفته شده است... اما من به شما می‌گویم» استفاده می‌کرد، نمی‌گفت که شریعت عهد عتیق باطل شده است. در حقیقت او کاملاً برعکس این مسئله، به صراحت می‌گوید که «من آمده‌ام تا شریعت را محقق کنم.» اما کاری که عیسی دارد انجام می‌دهد، استفاده از یک شیوه شناخته شده است که معلمین شریعت برای صحبت از اعتبار تعلیم خودشان استفاده می‌کردند. «شنیده‌اید که افراد

مختلف در سنت به شما این تعالیم را دربارهٔ شریعت گفته‌اند، اما من به شما می‌گویم...» و این با یک اقتدار حاضر، یک اقتدار اضافی همراه است. و بنابراین، عیسی اعتبار تعلیم خود را با استفاده از یک روش شناخته شده برقرار می‌کند؛ نه برای نادیده‌گیری عهد عتیق، بلکه تا از نظر الاهیاتی و مسیح‌شناسی، چیزی بسیار مهم بگوید – اینکه بسیار مهم است که شریعت عهد عتیق را در رابطه با من و تعلیم من از شریعت تفسیر کنید.

– دکتر گریگوری پری

بیاید دوباره در مورد تضادهایی فکر کنیم که عیسی ترسیم کرد. در مورد موضوع قتل، بسیاری از مردم بر این باورند که عیسی ممنوعیت قتل را به نفرت نیز بسط داد. اما مهم است تشخیص بدهیم که عهد عتیق نه تنها قتل را محکوم می‌کند، بلکه همچنین اختلاف بین قوم خدا را نیز محکوم کرد.

امید به هماهنگی و صلح در میان قوم خدا، در مزمور ۱۳۳: ۱ به خوبی بیان شده است که می‌گوید:

اینک چه خوش و دلپسند است که برادران به یک‌دلی با هم ساکن شوند (مزمور ۱۳۳: ۱).

سنت‌های رایج در زمان عیسی، نفرت و اختلاف در بین یهودیان را تا زمانی که منجر به قتل فیزیکی نمی‌شد، توجیه می‌کردند. عیسی در مقابل، با مرتبط ساختن ممنوعیت قتل و منع نفرت، بر معیارهای حقیقی عهد عتیق صحنه گذاشت.

در مورد زنا، بسیاری از مردم به اشتباه باور دارند که عیسی از ممنوعیت عهد عتیق دربارهٔ زنا فیزیکی فراتر رفت و آن را به زنا قلبی نیز بسط داد. اما در خروج ۲۰: ۱۷، فرمان دهم بیان می‌کند که:

به خانهٔ همسایهٔ خود طمع مورز، و به زن همسایه‌ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همسایهٔ تو باشد، طمع مکن (خروج ۲۰: ۱۷).

در اینجا عهد عتیق صراحتاً طمع به همسر کسی را ممنوع کرده است – که به عبارت دیگر، یعنی زنا قلبی. استدلال عیسی یک انکار عهد عتیق نبود، بلکه تأکیدی مجدد بر آن بود.

دربارهٔ طلاق، در زمان عیسی بسیاری از راهبران مذهبی اسرائیل باور داشتند که یک مرد عملاً به هر دلیلی می‌تواند زن خود را طلاق بدهد. طبق تعلیم آنها، مادامی که اسناد قانونی صحیح تنظیم می‌شد، قوانین عهد عتیق این حق را به آنها می‌داد. اما عهد عتیق به روشنی نشان می‌دهد که خدا چنین رفتاری را تأیید نمی‌کند. همانطور که در ملاکی ۲: ۱۶ می‌خوانیم:

یهوه خدای اسرائیل می‌گوید که از طلاق نفرت دارم (ملاکی ۲: ۱۶).

عیسی در متی ۱۹: ۳-۹ موضع خود درباره طلاق را با جزئیات بیشتری توضیح داد. او در آنجا روشن ساخت که مخالفتش با طلاق بر پایه خود عهد عتیق، و به ویژه روایت آفرینش آدم و حوا قرار داشت. در مورد موضوع سوگند یاد کردن، بعضی از معلمین مذهبی در زمان عیسی تعلیم می‌دادند که دروغ تا زمانی که فرد سوگند یاد نکند که به قول خود عمل می‌کند، مجاز است. عیسی مخالفت خود با این تعلیم را نشان داد و تاکید کرد که عهد عتیق همه انواع دروغگویی را ممنوع می‌کند، نه فقط دروغ‌هایی که نقض سوگند باشند. برای نمونه، امثال ۶: ۱۶-۱۷ به این نکته می‌پردازد:

شش چیز است که خداوند از آنها نفرت دارد، بلکه هفت چیز که نزد جان وی مکروه است: چشمان متکبر، زبان دروغگو... (امثال ۶: ۱۶-۱۷).

به همین دلیل است که عیسی در متی ۵: ۳۷ می‌گوید:

سخن شما بلی، بلی و نی، نی باشد (متی ۵: ۳۷).

عیسی با عهد عتیق مخالفت نکرد، بلکه نشان داد که سنت‌های شفاهی کاتبان و فریسیان از معیارهای عهد عتیق کوتاه آمده‌اند.

درباره انتقام، قانون اصلی عهد عتیق در مورد «چشم در برابر چشم» در خروج ۲۱: ۲۴، در روزگار عیسی به عنوان پذیرش انتقام شخصی از سوی خدا تلقی می‌شد. باور بر این بود که هر زمان هر کس هر کار اشتباهی در حق شما انجام می‌داد، شما نیز حق داشتید که صدمه‌ای مشابه به آن فرد بزنید. اما در اصل، «چشم در برابر چشم» بخشی از قوانین موسی برای قضاوت بود و برای راهنمایی آنها در دادگاه‌های رسمی اسرائیل در نظر گرفته شده بود. درست مانند زمان ما، قضاوت باید احکام و مجازات‌های خود را منصفانه و متناسب با جنایات ارتکابی صادر می‌کردند.

هدف موسی آن نبود که این معیار در امور بین افراد اعمال شود. در مقابل، عهد عتیق تعلیم داد که مهربانی و رحمت باید هادی رفتار در زندگی عادی و روزمره باشند. همانطور که لایوان ۱۹: ۱۸ می‌گوید:

از اینای قوم خود انتقام مگیر، و کینه مورز، و همسایه خود را مثل خویشان محبت نما. من یهوه هستم (لاویان ۱۹:۱۸).

عیسی با تفسیر ناصحیح قانونی که قرار بود قضات در دادگاه‌های خود از آن پیروی کنند مخالف بود، و بر تعلیم عهد عتیق تاکید کرد که ما باید در روابط بین فردی خود، مهربانی و رحمت نشان بدهیم. و سرانجام، درباره محبت به دشمنان، بعضی از معلمین در زمان عیسی چنین تعلیم می‌دادند که تنفر از دشمنان مسئله‌ای قابل قبول است. ظاهراً آنها از فرمان لاویان ۱۹:۱۸ - «همسایه خود را مثل خویشان محبت نما» - چنین استنباط می‌کردند که به همان اندازه نیز می‌توان از دشمنان خود متنفر بود. اما عهد عتیق ما را تشویق می‌کند تا به دشمنان خود محبت کنیم. برای نمونه، در خروج ۲۳:۴ می‌خوانیم:

اگر گاو یا الاغ دشمن خود را یافتی که گم شده باشد، البته آن را نزد او باز بیاور (خروج ۲۳:۴).

بنابراین همانطور که دیدیم، عیسی دیدگاه‌های خود را در مقابل دیدگاه‌های عهد عتیق قرار نداد. بلکه او با «تفسیر» ناصحیح در زمان خود مخالفت کرد و تعالیم حقیقی عهد عتیق را مجدداً مورد تاکید قرار داد.

وقتی عیسی این عبارات «شنیده‌اید که به شما گفته شده، اما من به شما می‌گویم» ها را در موعظه سر کوه استفاده کرد، فکر می‌کنم بهترین راهی که می‌توانیم به موضوع نگاه کنیم این است که عیسی معنای حقیقی شریعت را توضیح می‌دهد. نه اینکه او چیز جدیدی را معرفی می‌کند، بلکه به نوعی، هدف خدا از همه اینها را نشان می‌دهد. بنابراین وقتی که شریعت می‌گوید، «زنا نکنید»، قصد خدا این نبود که قوم او فکر کنند پس نگاه شهوت‌آمیز به زنانی که همسرشان نیستند یا حتی نگاه شهوت‌آمیز به زنان خودشان ایرادی ندارد. به این ترتیب، عیسی یک الزام جدید را معرفی نمی‌کند، بلکه آنچه از پیش در شریعت به طور ذاتی وجود داشته را آشکار می‌کند. - دکتر جمیز همیلتون

اکنون که به تعدادی از تعالیم عیسی که بسیاری به اشتباه آنها را نظرات منفی عیسی درباره عهد عتیق تلقی می‌کنند نگاه کردیم، باید به چند قسمت پردازیم که در آنها عیسی تاییدات مثبتی نسبت به اعتبار و تناسب عهد عتیق برای همه پیروان خود انجام داد.

تاییدات مثبت

آیات بی‌شماری در اناجیل وجود دارند که به طور واضح، دیدگاه مثبت مسیح نسبت به اعتبار و تناسب کامل متون عهد عتیق را نشان می‌دهند. او به طور مرتب عهد عتیق را به عنوان اساس تعالیم خود معرفی می‌کرد. و نباید صحنه کوه تبدیل هیئت را فراموش کنیم که عیسی در میان موسای شریعت‌بخش و ایلیای نبی قرار گرفت. هر چهار انجیل بر عدالت اعلای عیسی - یعنی سرسپردگی کامل او به شریعت و انبیا تاکید می‌کنند. عیسی در اطاعت از عهد عتیق زندگی کرد. او برای تحقق همه آنها آمد و شاگردان خود را نیز خواند تا چنین کنند. بشنوید که عیسی در متی ۵: ۱۷-۱۸ چه گفت:

گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صُحُف انبیا را باطل سازم. نیامده‌ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم. زیرا هر آینه به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود (متی ۵: ۱۷-۱۸).

عیسی در اینجا تاکید کرد که نیامده تا «تورات یا صحف انبیا» - روشی رایج برای اشاره به کل عهد عتیق در قرن اول - را از بین ببرد. در حقیقت ما می‌توانیم آغاز آیه ۱۷ را به جای «گمان مبرید»، «حتی شروع به فکر کردن در این مورد هم نکنید» ترجمه کنیم! بنابراین، وقتی عیسی ادامه داد و گفت که حتی همزه یا نقطه‌ای از تورات از بین نخواهد رفت «تا همه واقع شود»، کتب عهد عتیق را به طور کامل تایید کرد. متأسفانه، بسیاری از مسیحیان این آیات را می‌خوانند و فکر می‌کنند منظور عیسی چیزی مثل این بود که، «من نیامده‌ام تا از دست عهد عتیق خلاص بشوم، بلکه تا بی‌تناسبی آن را نشان بدهم.» اما به هیچوجه چنین چیزی نبوده است. به جملات بعدی عیسی در متی ۵: ۱۹ گوش کنید:

پس هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که بعمل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد (متی ۵: ۱۹).

دقت کنید که عیسی در این متن چه گفت. اگر مردم این احکام را نگه ندارند و یا دیگران را تشویق به نادیده‌گیری آن کنند، حتی کوچکترین این احکام، آنها «در ملکوت آسمان کمترین شمرده» می‌شوند؛ و هر که آنها را نگه دارد و به دیگران هم تعلیم بدهد که آنها را نگه دارند، حتی کوچکترین این احکام، «او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.»

عیسی چیزی درباره یهودیان زمان خود می‌دانست که درباره ایمانداران امروزی نیز صادق است. همه ما مایلیم در کاربرد عهد عتیق در زندگی مان، بسیار گزینشی عمل کنیم. ما تمایل داریم به بخش‌های مورد علاقه مان توجه کنیم و بخش‌هایی که دوست نداریم را نادیده می‌گیریم یا حتی رد می‌کنیم. اما عیسی تاکید داشت که شاگردانش باید تمام جزئیات عهد عتیق - و نه فقط بعضی از بخش‌های آن را - تایید و پیروی کنند. گوش کنید که او چطور این نکته را در متی ۵: ۲۰ بیان می‌کند:

به شما می‌گویم، تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود، به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد (متی ۵: ۲۰).

پیروان مسیح نباید در دام این ریاکاری بیفتند که بگویند عهد عتیق کلام خدا است، اما از آن اطاعت نکنند.

در مورد عهد عتیق، خود عیسی در لوقا ۲۴، عیسی قیام کرده، شاگردان را در راه عمواس به یک مطالعه عهد عتیق می‌برد و تمام چیزهای مربوط به خودش در کتاب مقدس را به آنها نشان می‌دهد. حالا این باید به آن معنا باشد که عیسی، عهد عتیق را برای اشاره به خودش مهم می‌دید. و تقریباً به این معناست که انگار می‌گفت، «بینید، شاید شما قیام را دیده باشید، قیام من را، و این شگفت‌انگیز است، اما فکر نکنید چون حالا مرا دیده‌اید، دیگر نیازی به متن ندارید، نیازی به کتاب پس‌زمینه ندارید. بلکه بر عکس، برای درک من و درک اهداف خدا برای جهان، به آن بیشتر هم نیاز دارید.» بنابراین، می‌بینیم که عیسی عهد عتیق را در آن موقعیت و نمونه‌های زیاد دیگری تایید کرد. منظورم این است که وقتی مورد وسوسه قرار گرفت، فقط مدام تکرار می‌کرد که، «مکتوب است... مکتوب است... مکتوب است...» این استاد ماست که به ما نشان می‌دهد اگر او به کتاب مقدس تسلیم بود، ما پیروان او چقدر بیشتر باید سرسپرده کلام خدا باشیم.

- دکتر پیتر والکر

اکنون که دیدیم چطور عیسی مناسب عهد عتیق برای امروز ما را تایید می‌کند، باید نگاهی اجمالی به بخشی دیگر از عهد جدید داشته باشیم؛ یعنی تعالیم پولس رسول.

تعالیم پولس

به طور کلی، مسیحیان اوانجلیکال تکیه زیادی بر نامه‌های پولس در عهد جدید دارند. اما ما تمایل داریم که رویکرد پولس به تناسب عهد عتیق برای زندگی مسیحی را اشتباه درک کنیم. بارها و بارها، مسیحیان خوشنیت استدلال کرده‌اند که پولس، پیروان مسیح را از اقتدار عهد عتیق رها کرد. اما همانطور که بسیاری از مفسرین اشاره کرده‌اند، هماهنگی کاملی میان پولس و عیسی در این مسائل وجود داشت. پولس هم مانند عیسی با روش‌های کاربرد اشتباه متون عهد عتیق در زمان خود که بسیاری افراد به کار می‌بردند مخالف بود، اما بر اقتدار و مناسبت بی چون و چرای آنها برای زندگی مسیحی تاکید داشت.

ما تعالیم پولس را نیز به همان طریق مشابهی بررسی می‌کنیم که دیدگاه‌های عیسی درباره این موارد را مورد بررسی قرار دادیم. ابتدا به متونی نگاه می‌کنیم که به نظر می‌رسد پولس اظهار نظری منفی درباره عهد عتیق انجام داد. دوم، بعضی از تاییدات مثبت او در مورد مناسبت عهد عتیق برای پیروان مسیح را در نظر خواهیم گرفت. ابتدا به این نکته توجه کنید که چطور به نظر می‌رسد که پولس نظراتی منفی درباره عهد عتیق داشته است.

نظرات منفی

به این سخنان شناخته‌شده از غلاطیان ۳: ۱-۵ گوش کنید:

ای غلاطیان بی‌فهم، کیست که شما را افسون کرد تا راستی را اطاعت نکنید که پیش چشمان شما عیسای مسیح مصلوب‌شده مبین گردید؟ فقط این را می‌خواهم از شما بفهمم که روح را از اعمال شریعت یافته‌اید یا از خبر ایمان؟ آیا اینقدر بی‌فهم هستید که به روح شروع کرده، الآن به جسم کامل می‌شوید؟ آیا اینقدر زحمات را عبث کشیدید اگر فی‌الحقیقه عبث باشد؟ پس آنکه روح را به شما عطا می‌کند و قوات در میان شما به ظهور می‌آورد، آیا از اعمال شریعت یا از خبر ایمان می‌کند؟ (غلاطیان ۳: ۱-۵).

دقت کنید که در این متن، پولس رسول «اعمال شریعت» و «ایمان» را مقایسه کرد. بسیاری گمان کرده‌اند که این مقایسه، تعالیم اخلاقی عهد عتیق را در مقابل دستورهای اخلاقی عهد جدید یا طریق زندگی مسیحی قرار می‌دهد.

این اظهارات و موارد مشابه آن در نوشتجات پولس، افراد زیادی را به این فکر وا داشته که پولس مناسبت عهد عتیق را در پشتیبانی از تعالیم کاملاً متفاوت ایمان مسیحی، رد کرد. در حقیقت، بسیاری از مسیحیان استدلال می‌کنند که برخورد با عهد عتیق به عنوان یک راهنمای معتبر برای ما، روگردانی از انجیل است. اما باید با دقت بیشتری به کل نامه غلاطیان و همچنین دیگر بخش‌های رسالات پولس نگاه کنیم. آنگاه متوجه می‌شویم

که پولس نیز مانند عیسی، با خود عهد عتیق مخالف نبود. او مخالف سوءاستفاده از آن بود. پولس قاطعانه در برابر استفاده نادرست از عهد عتیق به عنوان راهنمایی برای مذهب شریعت‌گرایانه و عمل‌محور ایستاد. گوش کنید که پولس چطور کلیساهای غلاطیه را بعداً در غلاطیان ۳: ۱۰-۱۳ مخاطب قرار می‌دهد:

جميع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می‌باشند زیرا مکتوب است: «ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته‌های کتاب شریعت تا آنها را به جا آرد.» اما واضح است که هیچ کس در حضور خدا از شریعت عادل شمرده نمی‌شود، زیرا که «عادل به ایمان زیست خواهد نمود.» اما شریعت از ایمان نیست بلکه «آنکه به آنها عمل می‌کند، در آنها زیست خواهد نمود.» مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است «ملعون است هر که بر دار آویخته شود» (غلاطیان ۳: ۱۰-۱۳).

همانطور که این متن نشان می‌دهد، پولس با معلمان کاذبی مخالف بود که برای مبرا شمردگی خود بر اطاعت از شریعت تکیه می‌کردند. اگر به چنین کاری گرایش داشته باشیم، ملعون هستیم چون هرگز به طور کامل از شریعت خدا اطاعت نخواهیم کرد. تنها راه برای گریز از لعنت شریعت، از طریق ایمان به مسیح است که لعنت خدا را بر خود گرفت.

پولس هرگز با خود عهد عتیق مخالفت نکرد. او هرگز تعالیم عهد عتیق را برای مسیحیان نامناسب نمی‌دانست. بلکه او با معلمین دروغینی مخالف بود که ادعا می‌کردند نجات به جای ایمان به مسیح، به اطاعت از شریعت بستگی دارد. در حقیقت، پولس در نامه خود به غلاطیان، برای اثبات قاعده عهد جدیدی خود که مبرا شمردگی در حضور خدا فقط از طریق ایمان است، عملاً به عهد عتیق استناد کرد. دوباره به کلمات پولس در غلاطیان ۳: ۱۱ گوش کنید که از حقیق ۲: ۴ نقل قول کرد:

عادل به ایمان زیست خواهد نمود (غلاطیان ۳: ۱۱).

به طریق مشابه، پولس این قاعده عهد عتیق را با استفاده از زندگی ابراهیم در رومیان ۴: ۱-۱۲ به تصویر کشید. از دیدگاه او، تعلیم عهد جدید مبنی بر مبرا شمردگی تنها از طریق ایمان، در واقع ریشه در تعالیم عهد عتیق داشت.

پولس... رسولی برای غیر یهودیان بود اما هموطنان خودش، قوم یهود خودش، را هم دوست داشت. او می‌خواست که آنها ببینند، می‌خواست که به یک رابطه زنده با خداوند عیسی مسیح وارد بشوند، در تلاش بود تا به آنها نشان

بدهد که در واقع میراث‌شان، که عهد عتیق است، تعلیم می‌دهد که مردم عملاً فقط به ایمان نجات پیدا می‌کنند، و پدران کلیدی ایمان مانند ابراهیم، برای مثال، را یافت که حتی جد بزرگ ما ابراهیم هم با ایمان نجات پیدا کرد. این یکی از مسائل مهم برای پولس بود که هموطنان خودش را متقاعد کند که پیامی که او تعلیم می‌دهد در واقع ریشه در عهد عتیق دارد و نیز اینکه عیسی، تحقق عهد عتیق است. بنابراین برای او مهم بود که در عمل از عهد عتیق برای به تصویر کشیدن پیام نجات تنها از راه ایمان، عهد عتیق را مورد استفاده قرار بدهد.

- دکتر وویانی سیندو

پولس عهد عتیق، و از جمله شریعت موسی را، دوست داشت. او در رومیان ۷: ۱۲ نوشت که شریعت، «مقدس و عادل و نیکو» است. اما وقتی که ما شریعت خدا را اشتباها به عنوان راهی برای کسب نجات به کار می‌بریم، آن را به چیزی تبدیل می‌کنیم که هرگز قرار نبوده آنگونه باشد. در سراسر عهد عتیق، افراد با فیض خدا از طریق ایمان به وعده او در مورد ماشیحی که در آینده می‌آید، نجات یافتند. اطاعت از شریعت خدا، می‌بایست واکنش قدرشناسانه آنها برای فیضی می‌بود که به وسیله آن نجات یافتند. حتی امروز نیز لازم است که این تمایز را بپذیریم. دستورات اخلاقی عهد عتیق به مسیحیان مرتبط است، اما نه به عنوان راهی برای کسب نجات، بلکه به عنوان طریقی برای بروز قدردانی مان نسبت به نجاتی که رایگان در مسیح دریافت کردیم.

پس از اینکه دیدیم نظرات منفی درباره عهد عتیق در تعالیم پولس در واقع به استفاده ناصحیح از عهد عتیق به عنوان یک روش کسب عدالت از طریق عمل مربوط می‌شد، اکنون باید به تاییدات مثبت و قوی پولس رسول در مورد اعتبار و تناسب عهد عتیق برای پیروان مسیح نگاه کنیم.

تاییدات مثبت

پولس یهودی بود. او همیشه یک یهودی بود. پس‌زمینه او یهودی بود... او درباره یهودیت خودش صحبت می‌کند. به کلام خدا متعهد بود. در فیلیپیان می‌گوید که به عنوان یک فریسی، چنین تعهدی داشت. وقتی که او در غلطیان داستان پس‌زمینه خودش را تعریف می‌کند، می‌گوید که برای شناخت اجدادش غیرتی بیشتر از هم‌تایان خود داشت. و آنجا درباره یهودیت صحبت می‌کند. در مورد تعهدش به تعالیم عهد عتیق، تعالیم کتاب مقدس عبری صحبت می‌کند. و وقتی که به نزد غیر یهودیان می‌رود تا درباره این تعلیم بدهد که عیسی کیست، همین پیشینه یهودی او وارد تعالیمش می‌شود. وقتی نزد امت‌ها می‌رود، می‌خواهد آنها بدانند که ظهور عیسی، ظهور ماشیح یهود بود؛ بدانند که رسیدن انجیل به امت‌ها، تحقق وعده‌ای بود که به ابراهیم بخشیده شد... او متون عهد عتیق

را رد نمی‌کند، اما حالا درک جدیدی از آنها دارد. درک می‌کند که عیسی تحقق هر آن چیزی است که کتاب مقدس عبری درباره‌اش صحبت می‌کند.

- دکتر مارک جنینگز

به آنچه پولس در رومیان ۴:۱۵ درباره عهد عتیق نوشت، توجه کنید:

زیرا همه چیزهایی که از قبل مکتوب شد، برای تعلیم ما نوشته شد تا به صبر و تسلی کتاب امیدوار باشیم (رومیان ۴:۱۵).

وقتی اینجا پولس از «چیزهایی که از قبل مکتوب شد» و «کتاب» صحبت کرد، عهد عتیق را در ذهن داشت. بر طبق این متن، عهد عتیق برای بسط و حفظ امید مسیحی ما ضروری است. داستان‌ها، قوانین، مزامیر، و نبوت‌های عهد عتیق، «برای تعلیم ما نوشته شد».

اما بی‌تردید، پولس قوی‌ترین و واضح‌ترین تایید خود درباره مناسبت عهد عتیق را در دوم تیموتائوس ۳:۱۶-۱۷ بیان کرد. او در آنجا می‌نویسد:

تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است، تا مرد خدا کامل و به جهت هر عمل نیکو آراسته بشود (دوم تیموتائوس ۳:۱۶-۱۷).

اکثر مسیحیان با این آیات آشنا هستند، اما اغلب تصور می‌کنیم که عبارت «تمامی کتب» به عهد جدید اشاره دارد. البته شکی وجود ندارد که این عبارت، دارای مفاهیمی برای دیدگاه ما در مورد عهد جدید است. اما زمانی که پولس درباره «تمامی کتب» به تیموتائوس نوشت، به طور ویژه عهد عتیق را در ذهن داشت. به چیزهای شگفت‌انگیزی که عهد عتیق قادر است به ما بدهد گوش کنید: می‌تواند ما را تعلیم بدهد، تنبیه‌مان کند، در عدالت اصلاح و تربیت‌مان کند، و ما را برای هر کار نیکو مجهز کند. به طور خلاصه، پولس گفت که عهد عتیق برای زندگی مسیحی ضرورت دارد.

بنابراین، وقتی پولس می‌گوید، «تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است»، درباره عهد عتیق صحبت می‌کند. درباره متناسب بودن عهد عتیق حرف می‌زند. و می‌گوید نه تنها مناسب است، بلکه کاملاً مناسب است... بدون عهد عتیق ما برای درک اصطلاحات مختلفی که عهد جدید از آنها

استفاده می‌کند هیچ بستری نداریم. برای مثال، خدا – این خدا کیست؟ یا مسیح – یک مسیح چیست؟ یا مفاهیمی مانند گناه، نجات، حتی انجیل. همه اینها اصطلاحاتی هستند که در عهد عتیق معرفی می‌شوند و بسط پیدا می‌کنند، و فقط با فهم کاربرد آنها در عهد عتیق است که می‌توانیم عهد جدید را به شکلی آگاهانه و مسئولانه مطالعه کنیم.

– دکتر متیو نیوکرک

دیدیم که باید عهد عتیق را به خاطر چالش فاصله و انتظار متناسب بودن آن مطالعه کنیم. اکنون بیایید به سراغ سومین موضوع اصلی مان در این درس برویم: وظیفه به‌کارگیری عهد عتیق در حیات امروزی مان.

کاربرد

اینکه بگوییم عهد عتیق به مسیحیان امروزی ارتباط دارد – که همینطور هم هست – یک چیز است، و به کارگیری این حقیقت، چیز دیگری است. بعضی اوقات، سخت نیست که ببینیم عهد عتیق چطور برای مان کاربرد دارد، اما گاهی به دلیل فاصله بین ما و عهد عتیق، این مسئله بسیار دشوار می‌شود. البته این اطمینان وجود دارد که روح‌القدس به پیروان مسیح در مطالعه و به‌کارگیری عهد عتیق کمک می‌کند. او از طریق‌هایی به ما تعلیم می‌دهد که از آنچه با توانایی خودمان می‌توانیم انجام دهیم بسیار فراتر می‌رود. اما این وظیفه ما است که عهد عتیق را تا جای ممکن، به طور عمیق مطالعه کنیم تا بتوانیم آن را به درستی در زندگی امروز خود به کار ببریم. پولس رسول از این مسئولیت با تیموتائوس صحبت کرد. او در دوم تیموتائوس ۲: ۱۵ گفت:

سعی کن که خود را مقبول خدا سازی، عاملی که خجل نشود و کلام خدا را به خوبی انجام دهد (دوم تیموتائوس ۲: ۱۵).

همانطور که پولس در اینجا بیان می‌کند، برای مورد تایید قرار گرفتن، باید رویکردمان نسبت به عهد عتیق مانند «یک عامل» یا «کارگر» – اِِرِگاتیس (ergates - ἐργάτης) در یونانی – باشد؛ به معنای کارگری که سخت می‌کوشد تا کلام خدا را به درستی به کار بگیرد.

ما در سه مرحله به کاربرد امروزی عهد عتیق نگاه خواهیم کرد. نخست، چالش‌هایی را شناسایی می‌کنیم که در تلاش برای به‌کارگیری عهد عتیق در زندگی مان باید بر آنها غالب شویم. دوم، ارتباطاتی را در نظر

می‌گیریم که کاربرد آن در زمان ما را ممکن می‌سازد. و سوم، به بررسی تحولاتی می‌پردازیم که می‌باید در جریان به‌کارگیری عهد عتیق، متوجه اهمیت آنها باشیم. بیایید با چالش‌هایی آغاز کنیم که برای اعمال عهد عتیق در زندگی امروزی با آنها روبرو می‌شویم.

چالش‌ها

همانطور که پیش‌تر در این درس دیدیم، خدا نخست عهد عتیق را به قوم خود داد که در سال‌های دور زندگی می‌زیستند، تا بتوانند در زمان خود بر اساس آن زندگی کنند. اما باز هم همانطور که دیدیم، او کتاب مقدس را به ما نیز داد تا بتوانیم در روزگار خودمان بر اساس آن زندگی کنیم. با این حال، ما در دنیای زندگی می‌کنیم که با جهان عهد عتیق تفاوت زیادی دارد. شکاف بزرگی بین ما و عهد عتیق وجود دارد که باید در خلال به‌کارگیری عهد عتیق، آن را در نظر داشته باشیم. به اول قرن‌تین ۱۰: ۱۱ گوش کنید که پولس رسول، چالش کاربرد مسیحی عهد عتیق را خلاصه می‌کند. او در آنجا نوشت:

این همه بطور مثل بدیشان واقع شد و برای تنبیه ما مکتوب گردید که اواخر عالم به ما رسیده است (اول قرن‌تین ۱۰: ۱۱).

از زمینه گسترده‌تر این متن می‌آموزیم که پولس روایات عهد عتیق درباره خروج اسرائیل از مصر، و نحوه کاربرد آنها برای مسیحیان قرنتس را در نظر داشت. دقت کنید که او دست‌کم سه مورد را برجسته کرده است. نخست، او از این وقایع در گذشته‌های دور صحبت می‌کند و می‌گوید، «این همه... واقع شد و... مکتوب گردید.» دوم، پولس به خودش و دیگر مسیحیان در قرنتس اشاره کرد و گفت که این روایات، «برای تنبیه ما مکتوب گردید.» و سوم، پولس با توصیف پیروان مسیح به عنوان کسانی که «اواخر عالم به [آنها] رسیده» تصدیق کرد که بین روزگار عهد عتیق و عصر مسیحیت اتفاقات بسیاری رخ داده است. سخنان پولس رسول در اینجا، چالش کاربرد امروزی عهد عتیق را آشکار می‌کند.

من به آنچه که پولس در اول قرن‌تین باب ۱۰ می‌گوید علاقه زیادی دارم. او در اول قرن‌تین باب ۱۰ درباره تاریخ اسرائیل و این واقعیت فکر می‌کند که این تاریخ در کتاب‌های عهد عتیق نوشته شده است، و به قرن‌تین می‌گوید، به کسانی که عمدتاً در گذشته بت‌پرست بودند، به امت‌ها، که «همه این چیزها اتفاق افتاد و برای تنبیه ما نوشته شد.» بنابراین، کتاب مقدس بر مردم اقتدار دارد؛ هرچند در وهله اول آن مردم در نظر نبودند، اما خدا آنها را در نظر داشت. خدا بر آنچه در کتاب مقدس ثبت شده حاکم است و در ذهن خود می‌تواند چنین قصد داشته باشد که حتی

با وجود اینکه این متون در ابتدا برای مخاطب دیگری نوشته شده، اما می‌تواند چنین بخواند که خطاب به ما باشد.

- دکتر استیفان ویتمر

همانطور که کلام پولس نشان می‌دهد، برای مقابله با چالش‌های کاربرد عهد عتیق در زمانه خودمان، باید سه چیز را حل کنیم. نخست، دنیای باستان عهد عتیق را درک کنیم؛ دوم، باید تحولات تاریخی بین خودمان و آن دنیای باستان را در نظر بگیریم؛ و سوم، باید آنچه را که از طریق این تحولات می‌آموزیم، به دنیای خودمان وارد کنیم. نخست این را در نظر بگیرید که توجه به دنیای باستان عهد عتیق، چقدر اهمیت دارد.

دنیای باستان

یکی از وظایف اصلی ما این است که تا جای ممکن، عهد عتیق را در راستای دنیای باستانی که نخست خطاب به آن نوشته شد، تفسیر کنیم. اما حتی اگر سخت هم در این مورد بکوشیم، هرگز نمی‌توانیم آن را به طور عالی انجام بدهیم. ما آنچنان عمیق تحت تاثیر دنیایی که امروزه در آن زندگی می‌کنیم قرار داریم که همیشه با یک پیش‌فرض‌هایی نسبت به متون باستانی کلام خدا نزدیک می‌شویم و راه‌گریزی از آنها نداریم. متأسفانه، این حقیقت اغلب به عنوان توجیهی برای برداشت آن چیزی در نظر گرفته می‌شود که ما مردمان امروزی درباره عهد عتیق باور داریم. اما این کار، به جای اینکه ما را مطیع کتاب مقدس بسازد، کتاب مقدس را تابع ما می‌کند. بنابراین، اگرچه نمی‌توانیم به طور کامل از پیش‌داوری‌های امروزی‌مان فرار کنیم، همه دانشجویان وفادار باید متون عهد عتیق را با پشتکار مورد مطالعه قرار بدهند تا معنای اصلی آنها را در حد امکان درک کنند.

به زبان ساده، معنای اصلی یک متن عهد عتیق، تاثیری است که خدا و نویسندگان الهام‌یافته آن متن برای نخستین مخاطبین خود در نظر داشتند. در مفهومی بسیار مهم، ما نمی‌شنویم که خدا و نویسندگان الهام‌یافته او به طور مستقیم با ما صحبت می‌کنند؛ ما شنونده صحبت آنها با دیگران هستیم. بنابراین، وقتی که عهد عتیق را مطالعه می‌کنیم مهم است که چنین سوالاتی پرسیم: اولویت‌های مخاطب اولیه چه بودند؟ آنها چه باوری داشتند؟ شرایط آنها چگونه بود؟ خدا چگونه آنها را در روزگار خودشان به تسلیم در برابر خود فرا خواند؟ پاسخ به چنین سوالاتی همیشه آسان نیست. اما تعقیب معنای اصلی، مسیر را برای تمام کاربردهای امروزی تعیین می‌کند.

پس از توجه کافی به دنیای باستان عهد عتیق، باید با چالش برخورد با تحولات تاریخی‌ای مواجه شویم که بین روزگار عهد عتیق و زمانه کنونی ما رخ داده‌اند.

تحولات تاریخی

بر خلاف کتب مقدس برخی دیگر از مذاهب، تعالیم الاهیاتی عهد عتیق در طی زمان بسط پیدا کرده‌اند. عهد عتیق به راه‌های بسیاری اشاره می‌کند که خدا حقایق دربارهٔ خودش، جهان، و مردم را در زمان‌های آغازین آشکار کرد. سپس با مکاشفات خدا در روزگار پدران اسرائیل، در زمان موسی، و طی زمان ورود اسرائیل به سرزمین موعود ادامه می‌دهد. اما در آنجا متوقف نمی‌شود. ما همچنین شاهد مکاشفات خدا در دورهٔ پادشاهی اسرائیل، طی مصیبت تبعید از سرزمین موعود، و نهایتاً در ایام کشمکش‌هایی که پس از بازگشت برخی اسرائیلیان از تبعید رخ داد نیز هستیم. اینگونه نبود که خدا یک بار چیزی به قوم خود آشکار کرد و سپس دیگر هرگز چیزی دربارهٔ آن موضوع یا مضمون نگفته باشد. بلکه بر عکس، در درون خود عهد عتیق، خدا به مکاشفات بیشتر و بیشتر ادامه داد. فراتر از این، تحولات بسیار مهم در ایمان کتاب مقدسی، همچنین در تعالیم عهد جدید نیز دیده می‌شوند. عهد جدید اعتبار عهد عتیق را تصدیق می‌کند، اما تحولات بیشتر در دوران عهد جدید را نیز آشکار می‌سازد. بدین ترتیب، هر بار که بخشی از عهد عتیق را در زندگی امروزی خود به کار می‌بندیم، باید از معنای نخستین آن فراتر رفته و تحولات تاریخی متعددی که بین دنیای عهد عتیق باستان و جهان امروزی ما رخ داده است را در نظر بگیریم.

ایمان کتاب مقدسی در طول اعصار، یکسان نماند؛ اما این به آن معنا نیست که خدا یک مذهب را آغاز کرد، سپس آن را کنار گذاشت و مذهب دیگری را جایگزین آن ساخت. کتاب مقدس یک مذهب یا ایمان در حال رشد را نشان می‌دهد. الاهدانان اغلب، تحول ایمان کتاب مقدسی را پویا توصیف می‌کنند – یعنی خیلی شبیه به رشد یک درخت، از یک دانه به بلوغ کامل می‌رسد. وقتی دربارهٔ این موضوع فکر می‌کنید، یک دانه بسیار متفاوت از درخت بالغ برآمده از آن دانه به نظر می‌رسد. در هر مرحله از رشد، تفاوت‌هایی وجود دارد. اما همیشه همان ارگانیسیم و گیاه باقی می‌ماند. به همین ترتیب، بخش‌های پسین عهد عتیق با بخش‌های پیشین آن تفاوت دارند. و عهد جدید با عهد عتیق تفاوت دارد. اما این تفاوت‌ها، بازتاب رشد پویا هستند. ایمان ما از دانه‌ای رشد کرده که مدت‌ها پیش کاشته شد، در طول عهد عتیق به رشد خود ادامه داد، و در عهد جدید به بلوغ رسید.

در اینکه خدا چطور خودش را آشکار می‌کند، یک پیشرفتی وجود دارد. کتاب مقدس این را نشان می‌دهد، این چیزی که ما آن را «رشد پویا» می‌نامیم و آنجا آموزه‌ها و مضامین و اندیشه‌ها دربارهٔ خدا از یک بذر رشد می‌کنند و به شکل کامل خودشان می‌رسند؛ و حتی کتاب مقدس دربارهٔ پیام جلو روندهٔ خودش صحبت می‌کند. و بنابراین، بله، یک شکلی از پیشرفت درون کتاب مقدس و درون تورات وجود دارد. این یک حرکتی از آغاز مکاشفهٔ خدا تا می‌توانیم بگوییم شکوفایی کامل است؛ مثل یک تصویر گاه‌گشتی (time lapse) از شکوفه دادن یک گل تصورش کنید.

- کشیش مایکل گلودو

همانطور که می‌توانیم ببینیم، ما برای رویارویی با چالش‌های کاربرد امروزی، نباید فقط به دنیای باستانی عهد عتیق و تحولات تاریخی‌ای توجه کنیم که درون آن رخ داده‌اند. ما باید همچنین کاملاً به این حقیقت متعهد باشیم که خدا عهد عتیق را با در نظر داشتن دنیای ما الهام کرد تا به نگارش در بیاید.

دنیای ما

همانطور که پولس در اول قرن‌تین ۱۰: ۱۱ عنوان می‌کند، عهد عتیق «برای تنبیه ما مکتوب گردید.» این حقیقت مستلزم آن است که مسئولیت‌های ما به عنوان پیروان مسیح در این دنیای مدرن را تشخیص بدهیم. اگر می‌خواهیم که امروزه عهد عتیق را به شکل موثری به کار بندیم، باید همیشه چنین سوالاتی از خودمان بپرسیم: معنای اولیه یک متن از عهد عتیق چطور در دنیای ما کاربرد پیدا می‌کند؟ چگونه افرادی مانند ما و موقعیت‌هایی که در آنها قرار داریم را مخاطب قرار می‌دهد؟ نقاط ضعف و قوت ما چه هستند؟ اینگونه سوالات در روند به‌کارگیری امروزی عهد عتیق، اساسی هستند.

با در نظر داشتن چالش‌های به‌کارگیری، باید به سراغ موضوع دوم برویم، که ارتباط نزدیکی هم با این موضوع دارد. چه ارتباطاتی وجود دارد که به ما امکان می‌دهند معنای باستانی و اولیه یک متن عهد عتیق را در دنیای معاصر خود به کار ببریم؟

ارتباطات

از بسیاری جهات، کاربرد امروزی عهد عتیق مانند این است که یک مصنوع دست بشر از دنیای باستان را بر داریم، آن را در طول هزاران سال حمل کنیم، و سپس بخواهیم مناسبت آن برای دنیای امروزی‌مان را بشکافیم. وقتی به این موضوع فکر کنید، سفر طولانی و دشواری است! چه چیزی باعث می‌شود که فکر کنیم چنین چیزی ممکن است؟ چطور می‌توانیم موفق بشویم؟ برای اینکه هر کتاب باستانی‌ای بتواند بر یک فرد امروزی تأثیر بگذارد، باید مقداری ارتباط بین محتوای آن کتاب و خواننده وجود داشته باشد. اگر هیچ ارتباطی وجود نداشت، اصلاً آن را نمی‌فهمیدیم و به سادگی آن را کنار می‌گذاشتیم. و همین مورد در مواجهه ما با عهد عتیق هم صدق می‌کند. ما باید همیشه نسبت به ارتباطات یا اشتراکاتی که فاصله بین زمان عهد عتیق و روزگار ما را در بر می‌گیرد، هوشیار باشیم.

راه‌های زیادی برای فهرست کردن این ارتباطات وجود دارد، اما تاکید بر سه ویژگی مشترک، مفید است. ما همان خدایی را داریم که اسرائیلیان باستان، آن نخستین دریافت‌کنندگان این متون مقدس داشتند؛ در همان دنیای زندگی می‌کنیم که آنها زندگی کردند؛ و ما همان نوع از مردم هستیم. بیایید این رشته از ارتباطات را بشکافیم، و با این حقیقت شروع کنیم که خدای مسیحیان عهد جدید، همان خدایی است که در عهد عتیق با او روبرو می‌شویم.

همان خدا

همانطور که دیدیم، شکافی بزرگ بین دنیای ما و جهان عهد عتیق وجود دارد. اما به شکلی بسیار واقعی، حقایق اساسی‌ای وجود دارند که ثابت مانده است – اینکه ما کیستیم، جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، و خدایی که به او خدمت می‌کنیم. مسیحیان وفادار امروز همان خدایی را می‌پرستند و خدمت می‌کنند که اسرائیلیان باستان در عهد عتیق خدمت کردند. این حقیقت، ارتباطات بسیار مهمی را فراهم می‌کند، چون کلام خدا تعلیم می‌دهد که او تغییر نمی‌کند و تغییرناپذیر است. او امروز همان خدایی است که در دوران باستان بود. حال باید در اینجا مراقب باشیم. تغییرناپذیری به معنای سکون نیست. این بدان معنا نیست که او از تاریخ جدا شده است.

تدبیر ازلی. الاهی‌دانان مسیحی سنتی، به درستی تعلیم داده‌اند که سه راه اصلی وجود دارد که در آن، خدا همان خدای تغییرناپذیر است. او در تدبیر ازلی، در صفات الاهی، و در وعده‌های عهدی خود تغییر نمی‌کند. بیایید به هر یک از این راه‌ها و این نگاه کنیم که چطور تضمین می‌کند خدا در حال حاضر همان است که در روزگار عهد عتیق بود. نخست، تدبیر ازلی خدا – یعنی نقشه او برای جهان – تغییرناپذیر است.

هر وقت در دنیا اتفاقی می‌فتد، مردم از خودشان می‌پرسند که آیا این چیزی است که خدا واقعا در ذهن داشته یا نه؟ و بخصوص وقتی که اتفاقات بدی می‌فتند و اوضاع خراب می‌شود، ما می‌پرسیم که خدا در این اتفاقات کجاست و هدف او چیست؟ و فکر می‌کنم درک کامل آموزه کتاب مقدس حاکمیت خدا، برای ما مفید است، چون واضح است که هیچ اتفاقی خارج از اراده و هدف غایی خدا رخ نمی‌دهد. قسمت‌های زیادی در کلام خدا هستند که می‌توانیم به آنها اشاره کنیم. باب ۱ افسسیان قطعا یکی از آن قسمت‌هاست، که می‌گوید خدا همه چیز را بر اساس هدف اراده‌اش انجام می‌دهد. و بنابراین، هرآنچه که تا به حال در تاریخ اتفاق افتاده، در نهایت بخشی از اهداف خدا است... و خدا یک هدفی دارد – که برای ما با ذهن محدودمان یک راز بزرگ است – هدفی دارد که در طول تاریخ بشر در حال انجام آن است.

– دکتر فیلیپ رایکن

همانطور که اشعیای نبی در اشعیا ۴۶: ۱۰ می‌گوید:

[خدا می‌گوید] آخر را از ابتدا و آنچه را که واقع نشده از قدیم بیان می‌کنم و می‌گویم که اراده من برقرار خواهد ماند و تمامی مسرت خویش را به جا خواهم آورد (اشعیا ۴۶: ۱۰).

همانطور که در این متن می‌بینیم، کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که هر آنچه خدا انجام داده و هر چه که انجام می‌دهد، بخشی از یک طرح بدون تغییر و جامع است که قبل از کار خلقت او معین شد. در این درس‌ها، ما هدف و جهت این طرح ازلی را با جزئیات بررسی خواهیم کرد؛ به ویژه، نقشه خدا برای برقراری پادشاهی خود بر زمین مانند آسمان است. اما اکنون کفایت می‌کند که بگوییم تغییرناپذیری طرح ازلی خدا به ما می‌آموزد که اهداف عهد عتیق او همسو با هدف‌های عهد جدیدش هستند. فارغ از هر تفاوتی که بینیم، این دو عهد نمایانگر دو طرح متفاوت نیستند و هیچ کدام آنها جایگزین یا متضاد دیگری نیست. بلکه بر عکس، عهد عتیق و عهد جدید آشکال یا مراحل یک طرح واحد هستند که تاریخ را به سوی هدفی تغییرناپذیر سوق داده و خواهند داد – یعنی هدف تبدیل زمین به پادشاهی خدا.

صفات خدا. در وهله دوم، خدا در صفات الاهی خود – یعنی کیفیات ذاتی خود – همان خدا است.

در حقیقت، خدا در حین اینکه درگیر تاریخ می‌شود، جنبه‌های مختلفی از شخصیت خود را در زمان‌های مختلف نشان می‌دهد. برای نمونه، گاهی رحمت خود و گاهی نیز خشم خود را نشان می‌دهد. گاهی قدرت عظیم خود را نشان می‌دهد و گاهی نیز جلوی خود را می‌گیرد. اما ماهیت ازلی او هرگز تغییر نمی‌کند. گوش کنید که نویسنده عبرانیان در ۱: ۱۰-۱۲ چطور درباره ماهیت ازلی مسیح صحبت می‌کند:

تو ای خداوند، در ابتدا زمین را بنا کردی و افلاک مصنوع دست‌های تو است. آنها فانی، لکن تو باقی هستی و جمیع آنها چون جامه مندرس خواهد شد، و مثل ردا آنها را خواهی پیچید و تغییر خواهند یافت. لکن تو همان هستی و سال‌های تو تمام نخواهد شد (عبرانیان ۱: ۱۰-۱۲).

و در یعقوب ۱: ۱۷ چنین می‌خوانیم:

هر بخشندگی نیکو و هر بخشش کامل از بالا است و نازل می‌شود از پدر نورها که نزد او هیچ تبدیل و سایه گردش نیست (یعقوب ۱: ۱۷).

همانطور که یعقوب در اینجا می‌گوید، خدای ما تغییر نمی‌کند.

متأسفانه، بسیاری از مسیحیان خوش‌نیت اغلب طوری صحبت می‌کنند که گویی خدا در عهد عتیق یک مجموعه از صفات را داشته و حالا در عهد جدید، مجموعه صفات کاملاً متفاوتی دارد. به یاد دارم شش ساله بودم که نظر معلم دربارهٔ جنگ یوشع در اریحا را شنیدم. بعد از اینکه داستان را تعریف کرد، به همهٔ ما نگاهی انداخت و گفت: «بچه‌ها، خدا در عهد عتیق خیلی بدجنس بود. آن موقع‌ها حتی می‌خواست بچه‌ها را هم بکشد. اما حالا عوض شده. در عهد جدید همه را دوست دارد. خوشحال نیستید که به جای عهد عتیق، در عهد جدید زندگی می‌کنید؟» و البته، همهٔ ما خیلی خوشحال بودیم. هیچکدام از ما نمی‌خواستیم مانند کودکان اریحا کشته شویم.

حال، معلم من به همان اندازه که نیت بدی نداشت، دچار یک سوءتفاهم بسیار جدی هم بود. صفات خدا بین عهد عتیق و عهد جدید، تغییر نکرده است. بلکه بر عکس، او خدای داوری در عهد عتیق و عهد جدید است. و همچنین در عهد عتیق و عهد جدید، خدای محبت است. صفات خدا ازلی و ابدی هستند. آنها از ازل تغییر نکرده‌اند و تا ابد هم تغییر نخواهند کرد.

تغییرناپذیری صفات خدا، ارتباطاتی را آشکار می‌کند که باید در تمام دوره‌های تاریخی انتظار آن را داشته باشیم. صفات خدا حتی ذره‌ای هم تغییر نکرده‌اند. بنابراین می‌توانیم مطمئن باشیم که اعمال و مکاشفه‌های او در زمان عهد عتیق، عهد جدید، و زمانهٔ ما به طور مداوم ماهیت ازلی او را منعکس می‌کنند. او همیشه همان خدایی بوده و هست و خواهد بود که ما امروز می‌پرستیم.

وعده‌های عهدی. در وهلهٔ سوم، خدا همیشه در وعده‌های عهدی خود همان خدا است. خداوند هر آنچه را که در عهد با قوم خود قسم خورده است، بدون شکست انجام خواهد داد.

حال باید در اینجا مراقب باشیم. بسیاری اوقات در کتاب مقدس، خداوند تهدیدهایی انجام می‌دهد و چیزهایی به قوم خود می‌گوید که آنها را تحقق نمی‌بخشد. اما این تهدیدها و عرضه‌ها، وعده‌های عهدی نیستند. وعده‌های عهدی آن چیزهایی هستند که خدا سوگند یاد کرده انجام دهد، و این پیمان‌های عهدی شکست‌ناپذیرند. همانطور که در عبرانیان ۶: ۱۷ می‌خوانیم:

چون خدا خواست که عدم تغییر ارادهٔ خود را به وارثان وعده به تاکید بی‌شمار ظاهر سازد، قسم در میان آورد (عبرانیان ۶: ۱۷).

به همین دلیل است که عهدهای خدا نقش بسیار مهمی در این مجموعه دروس حاضر دارند. تعالیم سراسر عهد عتیق و آموزه‌های عهد جدید با هم مرتبط هستند، زیرا خدا اهداف پادشاهی خود را از طریق مجموعه عهدهایی بزرگ محقق می‌سازد. هر عهد بر پایهٔ عهد پیشین استوار است و آن را بسط می‌دهد.

نخست، خدا عهدی در زمان آدم بست که اهداف پادشاهی او و نقش انسان‌ها را تعیین کرد. در روزگار نوح، خداوند عهد دیگری بر پایهٔ این عهد استوار ساخت و ثبات طبیعت را تضمین کرد. در ایام ابراهیم، خدا وعده داد که اسرائیل فزونی خواهد گرفت و برکات او را در سراسر جهان منتشر خواهد کرد. در عهد با موسی، شریعت خود را پیش روی اسباط اسرائیل گذاشت. در زمان داوود، پادشاهی اسرائیل را تاسیس، و تاکید کرد که نسل داوود بر تخت خواهد نشست و سلطنت آنها تا همیشه ادامه خواهد یافت. و سرانجام، خدا عهدی جدید در مسیح برقرار کرد که قصورات گذشته را پشت سر می‌گذارد و اهداف پادشاهی او را محقق می‌سازد. البته خدا به صلاح‌دید حکمت غیر قابل درک خود، در هر یک از این عهدها بر اصول پادشاهی متفاوتی تاکید کرد. اما تمام وعده‌هایی که در هر یک از این عهدها بخشید محقق خواهند شد، چون وعده‌های عهدی او تغییرناپذیرند.

همهٔ ما باید اعتراف کنیم که گاهی به نظر می‌رسد خدا وعده‌های خود را فراموش کرده یا آنها را کنار گذاشته است. اما واقعیت این است که وقتی کتاب مقدس را به درستی درک می‌کنیم - یعنی به یاد می‌آوریم که خدا تغییر نکرده است - متوجه می‌شویم که همهٔ وعده‌های عهدی یا محقق شده‌اند و یا محقق خواهند شد. ممکن است خدا وعده‌های خود را از طریق تحقق ببخشد که هیچکس هرگز انتظار ندارد، اما به هر روی آنها را به جا می‌آورد. و چون خدا امروزه همان خدای تغییرناپذیری است که در عهد عتیق بود، وعده‌های عهدی او ما را به تعالیم باستانی عهد عتیق مرتبط می‌کنند.

دیدیم که عهد عتیق و ایمان امروز ما از طریق این حقیقت که همان خدای تغییرناپذیر را داریم، مرتبط هستند. اکنون باید به سراغ دومین نوع از ارتباط بین ایمان عهد عتیق و ایمان مسیحی امروز برویم - یعنی این حقیقت که ما در همان دنیا زندگی می‌کنیم.

همان دنیا

همانطور که پیش‌تر دقت کردیم، برای ما آسان است که بر تفاوت‌های بین زمان خودمان و عهد عتیق تمرکز کنیم. اما با وجود اینکه از زمان اسرائیل باستان چیزهای زیادی تغییر کرده‌اند، ما هنوز در همان دنیا زندگی می‌کنیم. هرگز نباید به خودمان اجازه بدهیم که فکر کنیم عهد عتیق برای جهان دیگری، جهانی از اساس متفاوت با جهان ما، نوشته شده است. دنیای عهد عتیق همین دنیایی است که من و شما امروزه در آن زندگی می‌کنیم. ما با ایمانداران عهد عتیق، تاریخ و مجموعه‌ای از شرایط مشترک داریم.

پس‌زمینه‌های تاریخی. این حقیقت که ایمانداران عهد عتیق در همان دنیایی زندگی کردند که ما نیز می‌کنیم، دست‌کم دو نوع ارتباط بین ایمان عهد جدیدی ما و ایمان عهد عتیق برقرار می‌کند. نخست، عهد عتیق پس‌زمینه‌های تاریخی‌ای ارائه می‌کند که بسیاری از تجربیات کنونی ما را توضیح می‌دهد. و دوم، عهد عتیق موقعیت‌هایی مشابه را توصیف می‌کند که منعکس‌کنندهٔ بسیاری از تجربیات فعلی ما هستند. بیایید به بررسی این

نکته پردازیم که وقتی می‌گوییم عهد عتیق پس‌زمینه‌های تاریخی تجربیات ما از ایمان را فراهم می‌کند، منظورمان چیست.

یکی از واضح‌ترین و البته قابل توجه‌ترین ویژگی‌های عهد عتیق این است که پس‌زمینه‌ای برای رویدادها و تعالیم در عهد جدید و دنیای امروز ما فراهم می‌کند. وقایع عهد عتیق در یک فضای تهی اتفاق نیفتادند. آنها ساختگی نبودند. این وقایع در یک تاریخ حقیقی رخ دادند و بسیاری از آنها آثاری در دنیا برجای گذاشتند که تا همیشه ماندگار خواهند بود.

به طور مثال، ده فرمان که در کوه سینا به اسرائیل داده شد، پس‌زمینه‌ای ماندگار برای تعلیم اخلاقی عهد جدید ایجاد کرد. و حتی می‌توانیم تاثیر ده فرمان را در بناهای یادبود و تعالیم اخلاقی در سراسر جهان امروز ببینیم. به طریق مشابه، انتخاب داوود توسط خدا به عنوان رأس یک خاندان دائمی برای قوم خود، توضیحی تاریخی برای دودمان عیسی به عنوان پسر کبیر داوود فراهم می‌کند. و البته، عیسی به عنوان پسر داوود همچنان پادشاه همه، و تنها کسی که می‌تواند ما را نجات دهد، باقی می‌ماند. عهد عتیق از این طرق و روش‌های بی‌شمار دیگری، زمینه‌های تاریخی روزگار ما را فراهم می‌کند.

موقعیت‌های مشابه. در وهلهٔ دوم، می‌دانیم که در دنیایی مشابه با ایمانداران عهد عتیق زندگی می‌کنیم، زیرا نه تنها پیشینه‌های تاریخی تجربیات خود را می‌شناسیم، بلکه موقعیت‌های مشابه زیادی نیز بین عهد عتیق و روزگار ما مشاهده می‌کنیم.

ما نیز مانند ایمانداران عهد عتیق در دنیایی زندگی می‌کنیم که خدا آفرید اما در گناه سقوط کرد. افراد وفادار در عهد عتیق با مخالفت دیگران و نیروهای شیطانی روبرو می‌شدند، و ما نیز امروزه با مخالفتی مشابه روبرو هستیم. در عهد عتیق، قوم برای پیروزی به کمک خدا متکی بودند. ما نیز به کمک او وابسته هستیم. چنین تشابهاتی بسیار گسترده هستند. هنگامی که فرای تفاوت‌های سطحی را نگاه کنیم، می‌توانیم ببینیم در شرایطی زندگی می‌کنیم که بسیار شبیه شرایط نویسندگان عهد عتیق و مخاطبان آنها است.

یکی از متقاعدکننده‌ترین ویژگی‌های کتاب مقدس، چگونگی اشارهٔ آن به تشابهات بین مجموعه‌ای از رویدادهای پیشین و وقایع پسین است. انبیا، خروج اسرائیل از مصر را هم‌ردیف بازگشت اسرائیل از تبعید قرار دادند. اناجیل، زندگی عیسی را با خروج اسرائیل از مصر همسو ساختند. پولس رسول به شباهت‌های بین راهپیمایی اسرائیل به سوی سرزمین وعده و زندگی مسیحیانی اشاره کرد که در پیروی از مسیح به سوی آسمان‌ها و زمین جدید می‌روند. عیسی به شباهت‌های بین بلند کردن مار توسط موسی در بیابان و به صلیب کشیده شدن خودش اشاره کرد. این فهرست می‌تواند همینطور ادامه پیدا کند. الاهی‌دانان اغلب این تشابهات را «گونه‌شناسی کتاب مقدسی» می‌خوانند. گونه‌شناسی‌های کتاب مقدسی بر پایهٔ این حقیقت است که موقعیت‌های پسین مشابه

موقعیت‌های پیشین هستند. و بخش عمده این تشابهات از آن جهت است که ما هنوز در همان دنیایی زندگی می‌کنیم که قوم خدا در عهد عتیق نیز زندگی کردند. علاوه بر همان خدا و همان دنیا، ممکن است ارتباطاتی بین عهد عتیق و روزگار خودمان پیدا کنیم چون با همان نوع از مردم سر و کار داریم.

همان مردم

تفاوت‌های زیادی بین مردمان باستانی عهد عتیق و انسان‌های امروزی وجود دارد. اما کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که همه ما یک نوع مردم هستیم. ما از طریق استمرارهای مهمی که حتی فرای زمان و فرهنگ، زیربنای تفاوت‌های مان هستند و متحدمان می‌سازند به یکدیگر مرتبط هستیم.

صورت خدا. دست‌کم از سه طریق، ما از همان نوع مردم عهد عتیق هستیم. همه افراد بشر، صورت خدا هستند؛ همه ما گناهکار هستیم؛ و همه انسان‌ها در عهد با خدا هستند. نخست، همه افراد بشر فارغ از اینکه در چه زمان و مکانی زندگی می‌کنند، صورت خدا هستند. این تعلیمی روشن در سراسر عهد عتیق و جدید است. در پیدایش ۱: ۲۷ چنین می‌خوانیم:

پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. او را به صورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید (پیدایش ۱: ۲۷).

در پیدایش ۹: ۶ می‌آموزیم که حتی پس از آنکه گناه انسانیت را فاسد کرد، انسان‌ها همچنان صورت خدا هستند. در آنجا می‌خوانیم:

هر که خون انسان ریزد، خون وی به دست انسان ریخته شود، زیرا خدا انسان را به صورت خود ساخت (پیدایش ۹: ۶).

و علاوه بر این، عهد جدید نیز تصدیق می‌کند که همه انسان‌ها صورت یا شبیه خدا هستند. یعقوب ۳: ۹ می‌گوید:

خدا و پدر را به [زبان] متبارک می‌خوانیم و به همان مردمان را که به صورت خدا آفریده شده‌اند، لعن می‌گوییم (یعقوب ۳: ۹).

و همانطور که پولس در اول قرنتیان ۱۱: ۷ می‌گوید:

مرد... صورت و جلال خداست (اول قرنتیان ۱۱: ۷).

در اینکه خدا مرد و زن را به صورت خودش آفرید، می‌بینیم این چیزی است که ما در آن با... همهٔ کسانی که در عهد عتیق وجود داشته‌اند، و البته آدم و حوا که اولین انسان‌ها بودند، مشترک هستیم. و این اشتراک از بین نرفته، و یک امر اساسی است... شباهتی که با تمام مقدسین پیش از خودمان و افرادی که قبل از ما وجود داشته‌اند در آن شریک هستیم.

– کشیش تیموتی مانتفورت

درک نقش خودمان به عنوان صورت خدا در درکمان از اهداف پادشاهی خدا در طول تاریخ، بسیار مهم است. دربارهٔ معنای صورت خدا بودن در درس بعد مفصل‌تر صحبت خواهیم کرد. اما در اینجا کافی است که بگوییم چند ویژگی مشترک، انسان‌ها را توصیف می‌کند. در گذشته، کلیسا توجه خود را به ویژه بر این حقیقت متمرکز کرده بود که انسان‌ها منطقی هستند، توانایی‌های زبانی خاصی داریم، و موجوداتی اخلاقی و مذهبی هستیم.

این حقیقت که هم عهد عتیق و هم عهد جدید تایید می‌کنند که تمام انسان‌ها تصویر خدا هستند، به ما هشدار می‌دهد که دربارهٔ تفاوت‌های بین مردم زمان عهد عتیق و انسان‌های امروزی، بزرگنمایی نکنیم. البته همهٔ ما به اشکال متعددی تفاوت داریم، اما با نگاهی عمیق‌تر ما که امروز زندگی می‌کنیم کاملاً متفاوت از مردم باستان نیستیم. اگرچه دقیقاً مانند آنها نیستیم، اما می‌توان فرض کرد که ویژگی‌های منطقی، زبانی، و اخلاقی که مشخصهٔ زندگی آنها بود، مشخصهٔ زندگی ما نیز هستند. آنها هم مثل ما فکر می‌کردند. آنها هم زبان را به شباهت ما درک می‌کردند. آنها هم مثل ما مسائل اخلاقی و ایمانی دست و پنجه نرم می‌کردند. و به همین دلایل، می‌توانیم مطمئن باشیم که قادریم عهد عتیق را در زندگی خود به کار ببریم. مردمانی که نخست آن را نوشتند و دریافت کردند، درست مثل ما، صورت خدا بودند.

گناهکار. در وهلهٔ دوم نیز ما همچنان از همان نوع مردم عهد عتیق هستیم زیرا همهٔ انسان‌ها گناهکار هستند. کلمات رومیان ۳: ۱۲ را در نظر بگیرید که پولس در توصیف وضعیت گناهکاری مردم از مزامیر استفاده کرد. او نوشت:

همه گمراه و جمیعا باطل گردیده‌اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی (رومیان ۳: ۱۲).

پولس رسول روشن ساخت که همه مردم گناه کرده‌اند. و این فقط یک تعلیم عهد جدید نیست. در اول پادشاهان ۸: ۴۶، سلیمان اساسا همین مطلب را در تقدیم هیکل بیان کرد و گفت:

انسانی نیست که گناه نکند (اول پادشاهان ۸: ۴۶).

در الاهیات منتظم، این تعلیم وجود دارد که آن را به عنوان «تباهی مطلق» می‌شناسیم. و معنایش این است که انسان در کلیت وجود خود، در فکر، احساسات و رفتارش، همه به گناه آلوده شده است و بنابراین این فرض اساسی وجود دارد که هر آنچه انجام می‌دهد، آن را بر خلاف فرامین و معیارهای مقدس خدا انجام می‌دهد. و بدین ترتیب، بله، چیزی به عنوان ذات گناه‌آلود وجود دارد.

- دکتر لوئیس آرتزا

از آنجا که ما صورت‌های گناهکار و سقوط کرده خدا هستیم، درک اینکه چرا نویسندگان عهد عتیق تا این حد بر گناه تمرکز کردند، برایمان دشوار نیست. ما در این قسمت با عهد عتیق مرتبط می‌شویم چون می‌دانیم که گناهکار هستیم - درست مثل مخاطبان اصلی عهد عتیق و همه افرادی که از آن زمان تاکنون زندگی کرده‌اند. همچنین متوجه می‌شویم که چرا عهد عتیق بر نجات گناهکاران تمرکز می‌کند. از همان زمانی که بشریت در گناه سقوط کرد، همه مردم نیازمند نجات بوده‌اند. این حقیقت نیز ما را به دنیای باستان عهد عتیق مرتبط می‌کند.

عهد. در وهله سوم، ما از همان نوع مردم هستیم چون در طی دوران عهد عتیق، بین آن زمان و اکنون، و حتی امروز، همه مردم از طریق عهد به خدا وابسته‌اند.

عهد عتیق و جدید به طور مداوم از همه مردم به عنوان وابستگان به خدا از طریق عهد صحبت می‌کنند. همانطور که در یکی از دروس بعدی خواهیم دید، عهدهای خدا با آدم و نوح، عهدهای «عمومی» خوانده شده‌اند چون با همه نسل بشر منعقد شدند. این عهدها همه بشر را تحت التزام خدا به عنوان پادشاه مهربان و نیکخواه‌شان در می‌آورد. بقیه عهد عتیق عمدتاً بر عهدهای ویژه‌ای متمرکز است که خدا با قوم اسرائیل منعقد ساخت و اغلب «عهدهای ملی» خوانده می‌شوند. قوم اسرائیل از طریق عهدهای خدا با ابراهیم، موسی، داوود، و سپس با عهد جدیدی که ظهور آن توسط انبیا پیشگویی شده بود، به او وابسته بودند. و همه ما امروزه هم در همان وضعیت هستیم. هر انسانی از طریق عهدهای خدا با آدم و نوح به او وابسته است. و کلیسا نیز امروزه از

طریق عهد ویژه او با ملت اسرائیل در عهد عتیق، و عهد جدید در مسیح، به خدا وابسته است. به یاد دارید که خدا در خروج ۱۹: ۶ روی کوه سینا از رابطه ویژه خودش با اسرائیل اینطور صحبت می‌کند:

شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود (خروج ۱۹: ۶).

پطرس رسول در اول پطرس ۲: ۹ این متن را نقل می‌کند، اما آن را در مورد کلیسای عهد جدید به کار برد. همانطور که او می‌گوید:

شما قبیله برگزیده و کهنات ملوکانه و امت مقدس و قومی که ملک خاص خدا باشد هستید (اول پطرس ۲: ۹).

در اینجا پطرس آنچه که خدا به قوم ویژه عهدی خود - یعنی اسرائیل - گفت را در مورد کلیسا به کار برد. او چنین کرد چون پیروان مسیح اکنون از طریق عهد جدید در مسیح به خدا پیوسته‌اند. این نوعی از ارتباط پایدار است که در تمام طول تاریخ جریان دارد.

اکنون که چالش‌هایی را که باید در به‌کارگیری عهد عتیق بر آنها غلبه کنیم و ارتباطات خود با عهد عتیق را بررسی کردیم، باید توجه‌مان را به تحولاتی معطوف کنیم که اگر بخواهیم عهد عتیق را در روزگار خود به کار ببریم، باید آنها را بپذیریم.

تحولات

همانطور که پیش‌تر دیدیم، کاربرد عهد عتیق در زندگی امروز ما باید تحت تحولات تاریخی بسیاری در نظر گرفته شود که در ایمان کتاب مقدسی - هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید - رخ داده است. عهد عتیق، عهد جدید، و ایمان مسیحی امروز ما یک مذهب، و یک ایمان هستند؛ با این حال همیشه باید اذعان کنیم تحولات مختلفی روی داده‌اند.

راه‌های زیادی برای توصیف این تحولات وجود دارد، اما ما بر سه نوع عمده آنها تاکید می‌کنیم: تحولات ادواری، تحولات فرهنگی، و تحولات شخصی. در وهله اول، خدا خود و اراده‌اش را در ادوار یا اعصار بر مردم مکشوف ساخت.

تحولات ادواری

تاریخ کتاب مقدس، شرحی طولانی از روشی است که خدا در حین پیشروی تاریخ به سمت پایان تعیین شده‌ی الهی آن در مسیح، خود را به تدریج بر قومش مکشوف ساخت. راه‌های زیادی برای بررسی این تاریخ وجود دارد، اما یکی از راه‌های مفید، تقسیم آن به دوره‌ها یا حوادث تاریخی عمده‌ای است که به عهدهای خدا با قومش مربوط می‌شوند. در هر یک از این دوره‌های عهدی، خدا خودش را بیشتر آشکار کرد. به بیان ساده، خدا بیشتر از آنچه به آدم آشکار ساخت بر نوح مکشوف کرد. و بیشتر از آنچه بر نوح مکشوف کرد، برای ابراهیم آشکار ساخت. موسی مکاشفات بیشتری از ابراهیم دریافت کرد. و خدا به داوود مکاشفات بیشتری از موسی بخشید. و در دوره‌ی عهد جدید، خدا بیش از هر دوره‌ی دیگری در گذشته خود را آشکار کرد.

نویسنده‌ی عبرانیان هنگام نگارش عبرانیان ۱: ۱-۲، بر این نکته تاکید کرد:

خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طریق‌های مختلف به وساطت انبیا به پدران ما تکلم نمود، در این ایام آخر به ما به وساطت پسر خود متکلم شد (عبرانیان ۱: ۱-۲).

مسیحیان نیز مانند خود نویسندگان کتاب مقدس، تاریخ کتاب مقدسی را از راه‌های مختلف به دوره‌ها یا حوادث تاریخی مختلف تقسیم کرده‌اند. اما به طور کلی، مسیحیان اذعان کرده‌اند که بزرگترین تحول تاریخی در دوران بین عهد عتیق و جدید رخ داد. این تقسیم تاریخی، امروزه برای کاربرد کلام خدا بسیار مهم است. و در طول هزاران سال، مسیحیان این سوال را مطرح کرده‌اند که، «تعالیم عهد عتیق چگونه در عصر عهد جدید به کار می‌روند؟»

مسیحیان وفادار به درستی باور دارند که عهد عتیق در مورد ما کاربرد دارد، اما راه‌های متفاوتی برای به‌کارگیری پیام آن در عصر ما دارند. در یک سوی این طیف کسانی وجود دارند که مروج دیدگاهی مقطعی از تاریخ کتاب مقدسی هستند. این مسیحیان به ویژه بر «تفاوت‌های» بین ادوار عهد عتیق و جدید تاکید می‌کنند. به گمان آنها، ما باید فقط آن دسته از تعالیم عهد عتیق را در مورد ایمانداران امروزی اعمال کنیم که صریحاً در عهد جدید باز تایید شده‌اند. در غیر این صورت، عهد عتیق کاربردی برای پیروان مسیح ندارد.

در سوی دیگر طیف، چند موضع افراطی وجود دارد که دیدگاهی مسطح از ایمان کتاب مقدسی ارائه می‌کنند. این مسیحیان بر «پیوستگی» ادوار عهد عتیق و جدید تاکید می‌کنند. در این دیدگاه، تا زمانی که عهد جدید صریحاً یک تعلیم عهد عتیق را رد نکرده یا آن را تغییر نداده، مسیحیان موظف هستند که مانند مردمان پیش از مسیح، از آن پیروی کنند.

در این درس، ما با تاکید بر آنچه که می‌توانیم «دیدگاه تکوینی» ایمان کتاب مقدسی بنامیم، از هر دوی این دیدگاه‌های افراطی اجتناب می‌کنیم. در این دیدگاه، همه عهد عتیق باید در مورد مسیحیان عهد جدید به کار گرفته شود. اما همچنین باید تصدیق کنیم که هر بُعد از عهد عتیق به دلیل آنچه خدا در مسیح انجام داده، متحول شده است. تمام تعالیم عهد عتیق باید در مورد مسیحیان اعمال شود؛ اما همیشه در پرتو عهد جدید.

رابطه بین عهد عتیق و عهد جدید، موضوع بسیاری از مناظرات است. و حتی امروز هم حقیقتاً موضوع مباحثات زیادی است. و یک راهی که ما دوست داریم از آن طریق به بسط این چیزی نزدیک بشویم که «مکاشفه پیش‌رونده» می‌خوانیم - اینکه خدا همه چیز را در همان ابتدا مکشوف نساخت - تاریخ تحول الاهیات، تحول تعلیم عهد عتیق در رابطه با عهد جدید، در واقع مسئله مکاشفه جزئی در ابتدا و بعد مکاشفه کامل‌تر در عهد جدید با تعلیم عیسی و رسولان در نگارش واقعیت الاهیات کلیسا است.

- دکتر دانیل استفن

در غلاطیان ۳: ۲۴، پولس از رابطه بین عهد عتیق و ایمان عهد جدید اینگونه صحبت می‌کند:

شریعت لالای ما شد تا به مسیح برسند (غلاطیان ۳: ۲۴).

در این آیه، واژه «لالا» (یا همچنین «دایه») ترجمه واژه یونانی پیدائگوس (paidagogos - παιδαγωγός) است. این اصطلاح به مربی یا مراقبی اطلاق می‌شود که مسئول آموزش، راهنمایی، و تنبیه یک کودک در مسیر رسیدن به بلوغ است. بنابراین همانطور که پولس در اینجا نشان داد، تعالیم عهد عتیق مانند دستورالعمل‌هایی بود که به یک کودک داده می‌شود، اما آموزه‌های عهد جدید مثل فرامینی است که به یک فرزند بزرگسال داده می‌شود.

همه ما می‌دانیم که والدین به فرزندان کوچک درس‌هایی مانند اینها می‌دهند که، «به خیابان نرو»، یا «از آتش دور بمان.» اما وقتی فرزندان بزرگ می‌شوند دیگر به آنها هشدار نمی‌دهیم که از خیابان یا آتش دور بمانند. هرچه باشد، آنها بزرگ شده‌اند. با این حال، والدین از فرزندان بالغ خود انتظار دارند که حکمت قوانین کودکی خود را به یاد داشته باشند. ما از بزرگسالان انتظار داریم که خطر خیابان و آتش را به یاد داشته باشند و با دقت به آنها نزدیک شوند. حماقت است که با یک بزرگسال مانند یک کودک خردسال رفتار کنیم. اما برای بزرگسالان هم به همان اندازه ابلهانه است که آنچه از درس‌های دوران کودکی خود آموخته‌اند را فراموش کنند.

از بسیاری جهات، عهد عتیق شبیه قوانینی است که برای یک کودک مقرر می‌شوند. این قوانین برای وضعیت روحانی قوم اسرائیل عهد عتیق در مسیر آنها به سوی بلوغ طراحی شده بودند. عهد جدید، راهنمای آنانی است که در دوره پس از مکاشفه خدا در مسیح زندگی می‌کنند. اگر ما، به عنوان ایمانداران عهد جدید، از عهد عتیق به همان شکلی اطاعت کنیم که مردم در آن دوره باستانی انجام می‌دادند، اهمیت مسیح را انکار می‌کنیم. اما اگر حکمت تعلیم داده شده در عهد عتیق را نپذیریم، احترام خود مسیح به اقتدار عهد را انکار کرده‌ایم. ما باید به عنوان پیروان وفادار مسیح، تسلیم اقتدار عهد عتیق باشیم؛ اما باید این کار را به عنوان کسانی انجام بدهیم که در دوره کمال اعصار زندگی می‌کنیم.

اگر می‌خواهیم عهد عتیق را در زمانه خود به کار ببریم، باید علاوه بر تحولات ادواری، تحولات فرهنگی را نیز در نظر بگیریم.

تحولات فرهنگی

هنگام مطالعه عهد عتیق، باید شباهت‌ها و تفاوت‌های بین الگوهای فرهنگی ارائه شده در عهد عتیق و الگوهای فرهنگی دنیای خودمان را در نظر بگیریم. کدام ویژگی‌های فرهنگی زمانه ما شباهت نزدیکی به زمان ابراهیم دارند؟ فرهنگ ما چه شباهتی به دوران داوود دارد؟ فرهنگ بشری از روزگار باستان عهد عتیق چه تغییری کرده است؟ چه آداب و رسومی متفاوت هستند؟ اگر می‌خواهیم عهد عتیق را به طور مسئولانه‌ای در زندگی امروزی‌مان به کار ببریم، باید به این پرسش‌ها پاسخ بدهیم.

ما در قرن ۲۱ زندگی می‌کنیم و فرهنگ خودمان را با فرهنگ عهد عتیق متفاوت می‌یابیم. بنابراین، احتیاج داریم که کند و کاو عمیقی در فرهنگ کتاب مقدسی انجام بدهیم تا بتوانیم متن را درک کنیم. شکلی که ما کارها را انجام می‌دهیم با عهد عتیق تفاوت زیادی دارد. بنابراین، واقعا نیاز داریم که به زمینه و فرهنگ عهد عتیق نگاه کنیم تا بفهمیم که خدا در زندگی قومش در عهد عتیق چه می‌کند.

- دکتر دانیل سیمانگو

برای به‌کارگیری عهد عتیق در زمانه خودمان نه تنها باید تحولات ادواری و فرهنگی را در نظر بگیریم، بلکه باید همچنین به تحولات شخصی هم دقت کنیم.

تحولات شخصی

میان مردم عهد عتیق و مردمی که در دنیای معاصر ما زندگی می‌کنند، هم شباهات قابل توجه و هم تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد. اگر امید داریم که متون باستانی عهد عتیق را به درستی به کار ببندیم، لازم است که چنین سوالاتی بپرسیم: زندگی شخصی ما چطور با آنهایی که در عهد عتیق زندگی می‌کردند مقایسه می‌شود؟ ما چه نقش‌هایی در جامعه داریم؟ این نقش‌ها چطور با نقش‌های مردم در عهد عتیق مقایسه می‌شود؟ وضعیت روحانی ما چطور است؟ افکار، اعمال، و احساسات ما چطور با آنهایی که در مردم دوران عهد عتیق می‌بینیم مقایسه می‌شوند؟ با توجه به شباهات و تفاوت‌های بین مردم باستانی عهد عتیق و مردمان امروزی، بهتر می‌توانیم چگونگی کاربرد عهد عتیق در زمان خودمان را درک کنیم.

نتیجه‌گیری

در این درس، پرسیدیم که چرا باید عهد عتیق را مطالعه کنیم. به مشکلاتی که به دلیل فاصله بین ما و این کتاب باستانی با آنها روبرو هستیم، و از جمله علل این فاصله و انواع فاصله‌هایی که پیش روی مان قرار دارند، اذعان کردیم. همچنین دیدیم که عهد جدید قویا تناسب عهد عتیق برای روزگار ما را، به ویژه از طریق تعالیم عیسی و پولس، تایید می‌کند. و مسیرهایی که باید ضمن در نظر گرفتن چالش‌ها، ارتباطات، و تحولات مرتبط با کاربرد عهد عتیق در زندگی‌مان دنبال کنیم را، ترسیم کردیم.

اکثر اوقات، پیروان مسیح به دانشی اندک از عهد عتیق راضی هستند و فقط عهد جدید را به عنوان کلام خدا برای خود می‌بینند. اگرچه عهد جدید بسیار مهم است، اما هرگز برای مسیحیانی که به رشد در ایمان‌شان امیدوارند، کافی نیست. ما به عهد عتیق هم احتیاج داریم. مطالعه عهد عتیق به کار زیادی نیاز دارد، اما هر تلاشی برای آن ارزشمند است. عهد عتیق، کلام خداست. و ما به عنوان شاگردان وفادار مسیح باید همانطور که او خودش را به این متون وقف کرد، خودمان را وقف این متون مقدس کنیم. وقتی این کار را انجام بدهیم، متوجه خواهیم شد که عهد عتیق هدیه شگفت‌انگیزی است که خدا به ما بخشیده تا در هر زمان و مکانی از آن پیروی کنیم.